



RahaiZan.Org

سازمان رهایی زن

The Organization for Emancipation of Women

نشریه ماهانه:

3rd. Series, Issue 106

سری سوم، شماره ۱۰۶

September 2022

شهریور ۱۴۰۱

سرپرست: مینو، همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati
E_mail: minohemati@gmail.com

مدیرمسئول: شراره رضائی

Managing editor: Sharareh Rezaei
E_mail: shararehrezaei.p@gmail.com



RahaiZan

مطالب

اطلاعیه سازمان رهایی زن
قتل مهسا امینی آخرین میخ بر تابوت نظام
متعفن و زن سنیز اسلامی

تجاوز نظام اسلامی به حقوق زن مشوق
متجاوزین به زنان است، مصاحبه با فریبا
رشیدی

گزارشی از تجمع برلین در حمایت از
مبارزات مردم ایران در پی قتل دولتی مهسا
امینی گزارش و متن از شراره رضائی

ترجمه متن بیانیه ی قرانت شده در اعتراضات
مردم مریوان به مرگ شیلر رسولی

بیانیه ی فعالین حقوق زنان سندج در رابطه
با مرگ مظلومانه ی شیلر رسولی

مبارزات زنان نه اولین است نه آخرین تا
سرنگونی شراره رضائی

بیانیه اقدام مشترک "سپیده رشنو"

مصاحبه سازمان رهایی زن پیرامون سفر
رنیسی به نیویورک با پروانه عظیمی

جهان در های خود را به روی مردم افغانستان
بست گزارش از سحر صامت

موش مرده ها وقتی بقدرت میرسند آن کار
دیگر میکنند . مصاحبه با نسرين پرواز

عینک سیاه (داستان واقعی زندگی نویسنده)
نسرين موسوی ایلیچی علیا قسمت چهارم

طراحی سوخته تقدیم به تمام سپیده های مبارز
شراره رضائی

سبزینه های نسل دهه پنجاه! حامد شفاعتی

اطلاعیه اقدام مشترک قانونی بودن سقط جنین
یک ضرورت است!

زاینده رود و اتفاقاتی آن امیرحسین باریک رو

ما تیتتر خبرهای فردا صبح هستیم
بهاره شرفی

♦ ستون آزاد (نیمرخ)

درنگی بر چرایی سقوط به سیاهی

فرمان های گروه طالبان علیه زنان
وش مهربان

جنبش های اعتراضی زنان، هسته مقاومت
علیه طالبان گزارش ترگس سادات

♦ ستون ویژه خبری

معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی،
آرشیو نشریه، تماس با ما

زن زندگی آزادی،

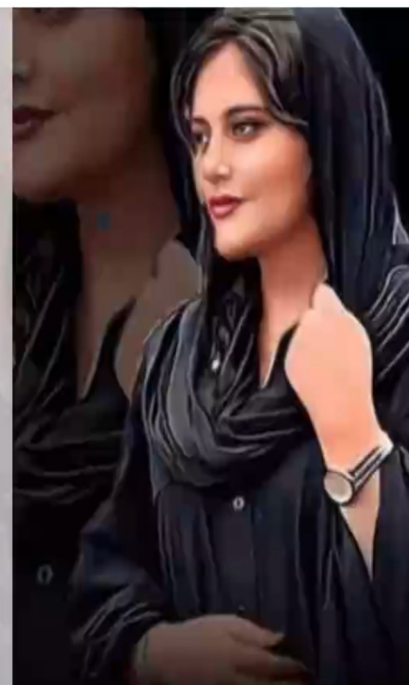
به این سگل جنایت علیه

زنان و قوانین قرون

وسطایی و کلیت نظام پامان

می دهم. #مسا_ایمی

اسم
مهسا و مهساها،
اسم رمز
نبرد
انسانیت
با
بربریت



توجه: نظر به اهمیت حمایت و همبستگی با فعالین جنبش رهائی زنان در افغانستان و در این برهه حساس تاریخی که حاکمیت ارتجاع اسلامی بر زندگی و مبارزه زنان در راه رهائی سایه افکنده است و بسیاری رسانه ها بطور دائم و یا موقت قادر به انتشار نیستند. بر آن شدیم که صفحات ستون آزاد ماهنامه رهائی زن را به رسانه نیمرخ اختصاص دهیم و میزبان نویسندگان نیمرخ باشیم تا مخاطبین آن نشریه در این دوران انتقالی از مطالب مورد علاقه خود محروم نباشند. با توجه به برد وسیع ماهنامه رهائی زن در ایران و افغانستان و سایر نقاط جهان، امیدواریم بتوانیم پژواک صدای زنان افغانستان و نوری از امید در این دوران تاریک باشیم. به امید روزهای بهتر



مینو، همتی

به نشریه رهایی زن ببینید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.
Markazi@RahaiZan.org



اطلاعیه

قتل مهسا امینی آخرین میخ بر تابوت نظام متعفن و زن ستیز اسلامی

چه تسلیتی از این بالاتر که پژواک فریاد "ما همه مهسا هستیم" از گلوی داغدار و خشمگین مردمان یک کشور در جهان طنین انداز است. خفاشان تاریک اندیش نظام اسلامی با ربودن و قتل مهسا ناخواسته بر انبار خشم چهل و اندی ساله مردم، آتش افروختند. شعله های خشم بحق مردم و بخصوص زنان در سراسر ایران نظام متعفن اسلامی و اندک مزدورانش را محاصره کرده است.

تجاوز نظام اسلامی به حقوق زنان، کودکان، بازنشستگان، معلمان، کارگران و دیگر اقشار محروم جامعه منجر به شکستن دیوارهای سد صبر و تحمل مردم شده است. اینبار اعتراضات یکپارچه مردم و در پیشاپیش آن زنان از نوع دیگریست. پیوستن جنبش دانشجویی به این سیل خروشان، بر شتاب آن افزوده است، جنبشهای کارگری و فرهنگیان نیز در راه پیوستن با همسرنوشتان خود هستند. شاید تاریخ نگاران بنویسند که تار موی مهسا بر گردن نظام زن ستیز پیچید و بساط جنایتکاری حاکمیت ارتجاع اسلامی را برچید.

سالیان، سال است که شعار "رهایی زن معیار رهائی جامعه است" در دستانمان نوید آنروز را میدهد. چه زیبا خواهد بود زمانیکه دنیا بداند، رژیم جنایتکار و زن ستیز اسلامی بدست توانای زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب به گور خواهد رفت.

مبارزه متحدانه ادامه دارد!

به کمتر از آزادی و برابری رضایت نمیدهیم!

مینو همتی

دبیر سازمان رهائی زن

بیستم سپتامبر ۲۰۲۲

<http://www.RahaiZan.org>

تجاوز نظام اسلامی به حقوق زن مشوق متجاوزین به زنان است، مرگ شلیر رسولی گواهی دیگرست

مصاحبه سازمان رهایی زن با فریبا رشیدی



<http://www.rahaizan.tv/2022/09/the-islamic-regime-s-violation-of-women.html>

خبر ناگوار مرگ نابهنگام شلیر رسولی 36 ساله مادر دو فرزند، از جنبه های گوناگون قلب هر انسان با وجدان را میفشارد. شلیر وقتیکه خود را دام یک مرد تجاوز کار میابد با پریدن از بالای ساختمان اقدام بخودکشی میکند و علیرغم تلاش پزشکان پس چند روز عمرش کوتاه میشود. اگر بخواهیم متهمین را بترتیب اجرای نقش در این تراژدی انسانی ردیف کنیم و در محکمه وجدان بشری به محاکمه بکشیم، جایگاه این مرد متجاوز در انتهای صف طویل جنایتکاران زن ستیز خواهد بود.

آخوندهای حوزه های جهلیه اسلامی متهمان ردیف اول این محکمه هستند که با تبلیغ و ترویج احکام و سنن زن ستیز زمینه رشد و پرورش این افکار، روش و منش ضدبشری را فراهم میکنند.

متهمین ردیف دو، تمامی قانون گذران اسلامی اعم از مکلا و عمامه بسر و دستگاههای قضائی خلافت اسلامی حاکم بر کشور هستند. متهمین ردیف سه، نیروهای انتظامی امنیتی هستند که حفظ امنیت جنایتکاران و متجاوزین و اختلاسگران را وظیفه اصلی خود میدانند و برای امنیت شهروندان بخصوص زنان پیشیزی ارزش قائل نیستند.

متهمین ردیف چهارم، ما مردمی هستیم که در اوایل قرن بیست و یکم هنوز قادر نیستیم حداقل در خانه هایمان فرهنگ مرد سالاری و زن ستیزی، این میراث متعفن سنتی و اسلامی را دفن کنیم، و جلوی بازتولید آنرا بگیریم و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب تحویل جامعه دهیم.

متهمین ردیف آخر هم افراد بی شرمی هستند که دست به این اعمال جنایتکارانه میزنند. در برنامه امشب به مرگ اجتناب پذیر شلیر و

گستره اعتراضات مردم مریوان و سنندج به زن ستیزی حاکم و دادخواهی شلیر خواهیم پرداخت. فریبا رشیدی فعال حقوق زنان میهمان برنامه امشب، خود از نزدیک با زن ستیزی حاکم دست و پنجه نرم کرده است. فریبا رشیدی عزیز به برنامه رهایی زن خوش آمدید.

مینو همتی: قبل از هر چیز جانباختن شلیر رسولی را به خانواده و دوستانش و کلیه وجدانهای بیدار تسلیت میگوئیم.

نخست مایلم برای بینندگان ما بگویی با شنیدن خبر مرگ شلیر رسولی و آنچه منجر به مرگش شد، چه خاطراتی برایت زنده شد؟

فریبا رشیدی: من هم به نوبه خودم به خانواده و دوستان و مردم شریف مریوان و جامعه مدنی کردستان و همه از ادیخواهان تسلیت میگم.

کیس شلیر رسولی منو یاد کیس ریحانه جباری، فریناز خسروی در مهاباد که از هتل تارای مهاباد مورد تعرض جنسی قرار گرفت و خودش را از پنجره انداخت پایین و جان باخت، خیلی دردناک هست وقتی برام تداعی شد.

همانطور که گفتیم متجاوزین از عوامل رژیم هستند و سوال اینجاست چه سیاست کثیفی پشت پرده هست؟

مینو همتی: مردم آزادیخواه و حق طلب مریوان با شهامت و اراده راسخ این اعمال را محکوم کردند. لطفاً برای بینندگان ما از وسعت، ابعاد و مطالبات این حرکات اعتراضی در مریوان بگوئید.

فریبا رشیدی: بله همانطور که اشاره کردید اعتراضات وسیع بوده، زنان و مردان همه با هم فریاد میزدند ما شلیر هستیم و صدای شلیر و حق شلیر را میگیریم و خیلی راسخ و گسترده جنازه او را هم تا جایگاه ابدی بدرقه کردند.

یک مسئله ای که باید به آن پرداخت این هست که تلاش برای از بین بردن افکارهای سنتی و شرعی در جامعه مرد سالار به این گونه که زن شرف و ناموس است و مثل یک کالا باید ازش حفاظت کرد و خود را مالک زن میندازند همین افکار کهنه پرستی در جامعه مرد سالار و ایبن و سنت و

قانونهای زن ستیزانه باعث شده که متجاوزین در جامعه به اسانی به خواسته های خود برسند چه بسا از عوامل رژیم باشند و خیلی ساده و اسان این قدرت را خواهند داشت که زنان را مورد هدف قرار دهند و یک موضوع دیگر که من به آن اشاره کنم که بر خلاف افکار جامعه که شلیر از ناموس خودش دفاع کرده، ولی من میگویم شلیر قوربانی ناموس نشده شلیر قوربانی تعرض جنسی شده و راهی جز اینکه قید جانش را بزند و از پنجره خودش را بیرون پرت کند را نداشت. شلیر دوست نداشت خودش را بکشد ولی او را کشتند او توسط مرد درنده ای که کشته شد. پس ما باید بیدار باشیم و این کیس را به ناموس ربط ندهیم.

تصور کنید اگر هم خود را رستگار میکرد دوباره قوربانی سیستم غلط در جامعه مردسالاری بود، به این گونه که تا آخر عمر باید انگشت نما باشد تا عمر باید کابوس تجاوز جنسی را با خود داشته باشد و یک لحظه هم از ان غافل نباشد چه از لحاظ سایکولوژی چه سیستم و جامعه.

مینو همتی: شلیر علیرغم تلاش های کادر درمانی، در سنندج درگذشت. از تجمعات و اعتراضات مردم سنندج و بخصوص فعالین حقوق زنان برایمان توصیف کنید.

فریبا رشیدی: زنان سنندج در اعتراض به زن ستیزی سیستماتیک در جامعه و گرامیداشت یاد شلیر رسولی چند روز در مریوان و سنندج، تجمعات اعتراضی داشتند.

فعالین زنان برای هر گونه نابرابری و بیعدالتی ساکت نبوده اند. در برابر قتلهای ناموسی شعار میدادند زن ناموس هیچکس نیست و زن یک انسان آزاد است و در برابر سنهای عقب افتاده و زن سبزه همیشه در صحنه بوده اند.

مبارزه و شجاعت زنان کورد چه الان و در گذشته جای تحسین و افتخار برانگیز است و حتی مردان هم پشت زنان را خالی نکرده اند.

مینو همتی: گستردگی اعتراضات و شرکت مردان و زنان آزادیخواه و برابری طلب بسیار چشمگیر بود، بنظر شما اکثریت جامعه کردستان آماده عبور از سنهای مردسالاری و تبعیض علیه زنان میشود؟

فریبا رشیدی: همانطور که اشاره کردیم به وسعت اعتراضات، مردم در جامعه مدنی کردستان خواهان عدالت هستند و برای مطالبات برابر و عادل تلاش میکنند نه تنها عبور از فرهنگهای غلط مرد سالارانه بلکه برای از بین بردن آن همیشه در صحنه هستند خواهان امنیت و آرامش و حقوق برابرند. خواهان قانونهای زنانه هستند تا زنان هم در جامعه بتوانند با اسایش و آرامش زندگی کنند و از حقوق انسانی خویش برخوردار باشند.

گزارشی از تجمع برلین در حمایت از مبارزات مردم ایران در پی قتل دولتی مهسا امینی گزارش و متن خوانده شده از: شراره رضائی



روز دوشنبه نوزدهم سپتامبر به فراخوان گروهی از جوانان چپ با نام "بلندگو" تجمعی در حمایت و همراهی با مبارزات مردم ایران در پی قتل مهسا امینی در مرکز برلین در خیابان "کوتبوسرتور" برگزار شد. سازمان رهایی زن همچون دیگر گروه ها، تشکل ها و احزاب در این مراسم شرکت کرد. در این مراسم، علاوه بر شعارهای از جمله "زن، زندگی، آزادی" " از کردستان تا تهران، ستم علیه زنان" "زنده باد آزادی و برابری" "جمهوری اسلامی مرگت فرا رسیده" "فقط کف خیابون بدست میاد حق مون"، نمایندگان سازمان ها و گروه های سخنرانی کردند همچنین علاوه بر رپ خوانی علیه حاکمیت، تعدادی از زنان موهای خود را در همراهی با کمپین زنان ایران، قیچی کردند، همچنین یکی از زنان رقصی اعتراضی کرد. شراره رضائی بعنوان نماینده سازمان رهایی زن در این مراسم سخنرانی کرد متن سخنرانی: مهسا امینی رو و به قتل رساندند.

#سپیده_رشنو را با صورت و چشمانی کبود، در نمایش مضحک حکومتی و ادار به اعتراف اجباری علیه خودش کردند.
#شیلر_رسولی از وحشت قضاوت شدن و قوانین زن ستیز، برای حفاظت از خود یا باید متجاوز را می کشت که نتیجه اش اعدام بود یا باید کشته می شد که او دومین راه را انتخاب کرد و در جلوی چشمان ناباور فرزندان خود را به پایین پرت کرد.
به صورت زنان زیادی به جرم بی حجابی، اسید پاشیدند.
مادری که خود را جلوی ماشین گشت ارشاد انداخت تا مانع بردن دختر بیمارش به شکنجه گاه وزرا شود.
در این چهل و چند سال، همه ی ما زنان نقطه ی مشترکی داریم، همه ی ما حمله ی وحوش گشت ارشاد را می فهمیم، و همه ما می دانیم که زن بودن چه بهای سنگینی دارد.
دلهره، نگرانی، فرار و مقاومت همه ی اینها را در آن واحد با تمام گوشت و پوستمان زندگی کردیم.
اما آنچه ستودنی ست مقاومت و مبارزه ی هر روزه علیه قوانین ارتجاعی زن ستیز و نرفتن زیر بار تحمیل حجاب یا به اطاعت و بندگی کشیدن زنان است.
زنان علیه حاکمیت در مبارزه ای نابرابر اما مصمم بر سر خواسته های برحق، حقوق انسانی شان ایستاده اند. و دردها، رنج ها، شکنجه و توان هایی که زنان علیه حجاب و کل حاکمیت و قوانین ارتجاعی می دهند و کوتاه نمی آیند. در این جنگ نابرابر حکومت ها و زنان، مهسا امینی ها و سپیده رشنوها توان سنگینی می دهند مبارزه علیه حجاب و ارتجاع و قوانین زن ستیز به قیمت جان!
امروز با قتل مهسا، تمام شهرهای ایران، زنان و مردان آزادی خواه علیه ارتجاع و علیه چهل سال عقب ماندگی و قوانین ارتجاعی به خیابون آمدند.
حکومت در وحشت و استیصال با درماندگی، در سرایشی سقوط قرار گرفته و پاشنه ی آشیل سقوط و حاکمیت ش، تحمیل حجاب و نماد بردگی و اسارت هست. قطعاً با این حجم از اعتراضات و بازتاب جهانی و داخلی، حکومت هارتر از همیشه و به هر قیمتی به هر طناب پوسیده ای چنگ میندازه.
همانطور که در سنگ قبر ژینا یا مهسا نوشته شده "ژینا یک کلمه رمز است" "ژینا" می تونه کلمه ی رمزی برای اتحاد سراسری از کارگران، معلمان، دانشجویان و تمام مردم منتفر از کل حاکمیت باشه همانطوری که تا الان ما شاهدش بودیم که از کردستان تا تهران تمام شهرها، مردم آزادی خواه و برابری طلب به خیابان ها آمدند و می تونیم به جنایت های چهل ساله حاکمیت پایان بدیم.
تا دیگه شاهد تعرض و تجاوز و قتل و اعدام های جوانان و عزیزانمان نباشیم. قدرت در دستان مردم متحد است. باید در کف خیابون ها حرمت و شان و منزلت زن، کارگر، کودک، معلم و دانشجو و تمام آحاد جامعه رو گرفت.
سرنگونی حاکمیت با تمام دارو دسته، بسیج، اطلاعات و وحوش گشت ارشاد و غیره تنها به نیرو و حضور مردم آزادی خواه و برابری طلب در کف خیابان ها امکان پذیر خواهد شد. تا دیگه شاهد قتل مهسا ها نباشیم.
همین الان اعتراضات در کل شهرهای ایران از کردستان تا رشت و گیلان، کرج و تهران و تمام دانشگاه ها در جریان است و ما همگام و همراه با مبارزات مردم ایران تا ساقط شدن کل حاکمیت در کنارشون هستیم.
حکومت جنایتکار، در مقابل مردم متحد و منجز از کل سیستم حاکمیت با تمام قوانین ارتجاعی و قرون وسطایی و جنایت هاش ناتوان است.
یکبار برای همیشه به این پروسه ی جنایت و قتل ها و اعدام ها پایان بدیم.

سازمان رهایی زن
نوزدهم سپتامبر 22
زنده باد آزادی و برابری

عکس هایی از تجمع برلین در حمایت از مبارزات مردم ایران در پی قتل دولتی مهسا امینی



ترجمہ متن بیانیہ ی بہ زبان کوردی قرانت شدہ در اعتراضات مردم مریوان بہ مرگ شیلر رسولی

زنان و مردان برابری طلب!

دیروز تراژدی دیگری، جامعہ ما را لرزاند و قلب ہمہ ی انسان های برابری طلب را بہ درد آورد. در این رویداد و فاجعہ انسانی باز ہم یک زن قربانی شد. دلیل قربانی شدن زنان قانون و سنت و ارتجاع مردسالاری است. در جامعہ ای کہ زن ناموس کسی نام بردہ می شود و شہروند درجہ دوم است و مرد خود را صاحب زن می داند، ہر روزہ شاہد تبعیض و تحقیر و تعرض علیہ زنان ہستیم. زن کشتہ می شود یا تحت فشار ضدیت با زن، دست بہ خودکشی می زند. شکی نیست این متجاوز باید محاکمہ و مجازات شود. اما مجازات فردی بہ تنہایی نمی تواند فاجعہ ی انسانی تعرض و تجاوز بہ حقوق و انسانیت زن را خاتمہ دہد. ما می خواہیم بہ تبعیض و ستم جنسی و قوانین و آیین پشت آن خاتمہ دادہ شود. ما خواہان جامعہ ای برابر و آزاد ہستیم کہ برابری زن و مرد بطور قطع تامین و تضمین شود. بیگمان چنین جامعہ ای مستلزم ہشیاری و دخالت زنان و مردان کارگر و زحمتکش و طبقات پایین جامعہ است. خاتمہ دادن بہ ستم طبقاتی و تبعیض و تجاوز بہ حقوق زنان بہ سازمان های طبقاتی و اجتماعی تودہ ای نیاز دارد.

[#شیلر رسولی](#)



بیانیه ی فعالین حقوق زنان سنندج در رابطه با مرگ مظلومانه ی شیرلر رسولی

آنچه امروز ما را وادار به واکنش نموده است و به شکل روشنی خودنمایی می کند سیستماتیک بودن این خشونت هاست، متأسفانه نه تنها سازوکاری برای بازداشتن فرد صاحب قدرت از ارتکاب خشونت وجود ندارد، بلکه در یک توافق نانوشته اعمال خشونت بر زنان عادی سازی شده و عواقب جدی متوجه خشونت گران نیست.

آزارهایی که علی رغم آشکار بودنشان در تمامی این سال ها نادیده گرفته شده اند.

ما زنان ضمن محکوم کردن این رفتار شنیع و ضدانسانی از تمامی فعالین حقوق بشر در ایران و جهان تقاضا می کنیم که در این رابطه سکوت خود را بشکنند و به جدی وارد میدان شوند.

از تمامی مسئولین امنیتی و قضایی می خواهیم رنج زنان خشونت دیده ی تجاوز را کوچک نشمرد و یا اعمال قوانین بازدارنده و سخت گیرانه برای متجاوزگران، فضایی امن را برای افراد جامعه مهیا نمایند.

ما به جد خواهان پیگیری خون به ناحق ریخته شیرلر رسولی ها که قربانی خشونت شده اند هستیم و این رفتارهای ضدانسانی را محکوم می نمایم.



مبارزات زنان نه اولین است نه آخرین تا

سرنگونی
شراره رضائی



افتادند و روسری های دختران را می گرفتند و همراه خود می کشیدند و زنان و مردان شجاع با دیدن این صحنه ها یکصدا فریاد می زدند و آزادی آنان را طلب می کردند .

دختری که برای چند لحظه موفق شده بود از دست آنان فرار کند زنان پلیس بدنپالش دویدند و موهای دختر را به طرز وحشیانه ای کشیدند و او را وادار به توقف کردند. جوانان و مردان برابری طلب، به این صحنه های دلخراش و رعب آور اعتراض می کردند و فریاد می زدند مگر اینها زنان و خواهران ما نیستند چرا با آنها اینطور برخورد می کنید مگه آنها چکار کردند مگه شما انسان نیستید؟ نیروهای انتظامی با باتوم به سینه جوانان معترض کوبیدند و به اجبار آنها را با خود می بردند.

در تمامی میدان هفت تیر به هر گوشه اش که نگاه می کردی جوانی، دختری یا پسری، زنی یا مردی کتک می خورد و جوانان را به زور روی آسفالت داغ کتکان کشان همراه خود می بردند و رعب و وحشتی بی سابقه در مردم ایجاد کردند.

در این میان حضور زنان پلیس که وحشیانه به جان دختران افتاده بودند بیشتر از هر صحنه ای تاسف انگیز و ملال آور بود که بیرحمانه همجنس خود را (زنان) را زیر مشت و لگد و باتوم می گرفتند و حتی عابریانی که از هیچ کجا خبر نداشتند و عابری بودند مورد ضرب و شتم پلیس قرار گرفتند .

تمامی مغازه های میدان هفت تیر بسته شد و مغازداران کرکره ها را پایین کشیدند ، زنان پلیس حتی به مغازه ها حمله می کرد و مغازه داران را تهدید می کردند که کسی را درون مغازه ها پناه ندهند.

بسیاری از زنان و مردان را در این تجمع دستگیر شدند و ماشین های نیروی انتظامی در تمامی دور میدان مستقر بودند و تعداد زیادی از جوانان آزادیخواه را دستگیر کردند و به همراه خود بردند.

سرانجام تجمع در ساعت شش و نیم به پایان رسید.

شراره رضائی 22 خرداد 1385 شمسی

تا دندان مسلح که شمشیر را علیه زنان از رو بسته است، وسعت و شکل جدیدی به خود می گیرد. زنانی مبارزی که هرگز در مقابل ارتجاع هرگز سر اطاعت و فرمانبرداری خم نکردند و نخواهند کرد و مبارزه علیه قوانین زن ستیز و برای آزادی و رهایی زنان از کلیه ی قیود و بند و اسارت دین و مذهب و تا آمل نهایی که سرنگونی حکومت است، ادامه خواهد داشت. هرچه تیر زدی مرا، زخم نشد جوانه شد .

متن زیر گزارش و عکس های از تجمع 22 خرداد 1385 در میدان هفت تیر علیه نقض حقوق زنان همراه با عکس هایی از آن مراسم جهت یادآوری مبارزات زنان .

گزارشی از روز 22 خرداد 85

امروز دوشنبه 22 خرداد 1385 در پاسخ به فراخوان نهادها ، تشکل ها و کانون های دفاع از حقوق زنان، زنان و مردان آزادی خواه در میدان هفت تیر همچون گذشته در راستای مطالبات خود خواستار برابری حقوق زنان در تمامی عرصه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شدند و نسبت به حقوق از دست رفته و یا تضعیف شده تجمع اعتراض آمیزی صورت گرفت. این تجمع در میدان هفت تیر تهران در اعتراض به نقض حقوق زنان در قوانین ایران برگزار شد.

در ساعت 4 بعدازظهر در ضلع غربی 7 تیر در فضای سبز میدان هر لحظه به تعداد زنان و مردان افزوده می شد در ابتدا جمعیت روی نیمکت ها و روی چمن ها نشستند و نبره های انتظامی دورتادور محوطه را در احاطه کرده بود نیروهای انتظامی 2 با 3 نفره در فضای سبز قدم می زدند و با لباس شخصی ها هماهنگی ایجاد می کردند کم کم زمان به ساعت 5 نزدیکتر می شد و جمعیت لحظه به لحظه زیادتر می شد و نیروهای انتظامی که دیگر تاب و توان دیدن جوانان معترض را نداشتند سعی در پراکنده کردن آنان نمودند. جمعیت در اثر فشار نیرو انتظامی به خیابان رفتند و در وسط میدان انسجام خود را حفظ کردند و در راس ساعت

5 تراکت هایی با عناوین زن = مرد = انسان / ما حقوق برابر می خواهیم/ رفع تبعیض علیه زنان / نقض حقوق زنان = نقض حقوق بشر/ خشونت علیه زنان = خشونت علیه انسان/ آزادی و برابری حق مسلم هر انسانیت (از سوی فعالین حقوق زنان کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان ایران و جامعه حمایت از زنان در بین جمعیت پخش شد که نبره های انتظامی و لباس شخصی ها به سوی جمعیت حمله کردند و با متوسل شدن به زور تراکت ها را از دست زنان می گرفتند و پاره می کردند.

نیروهای انتظامی با باتوم به جان جمعیت

این روزهای مبارزه زنان خسته از بیش از چهل سال سرکوب، نابرابری، تبعیض علیه قوانین ضد زن، زنان به ستوه آمده از خشونت و تهدید، زنانی که به قدمت تاریخ حکومت ایران روزی نبوده و نیست که دست از مبارزه بردارند. این روزهای اعتراضی علیه سیستم سرکوب و حکومت ضد زن و خصوصا علیه حجاب این نماد اسارت زن، برای اولین بار نیست که به جنبش درآمده و تا سرنگونی حکومت، آخرین بار هم نخواهد بود .

تاریخ مبارزات زنان به سال های اولیه مبارزات زنان در سال 57 گره خورده آنروزها که زنان مبارز از معلم، کارمند اداره ها تا پرستار، شاغل و خانه دار به خیابان ها آمدند و فریاد زدند : "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم" ما میراث داران این زنان مبارز بودیم و در همان کودکی خوب به گوشمان رفت که به عقب برنخواهیم گشت. این مبارزات ادامه داشت شاید اگر به تجربه شخصی خودم بعنوان دبیر کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان ایران (تهران) اشاره کنم. به غیر از مبارزات و اعتراضات مناسبت های مختلف از 8 مارس ها تا روزهای جهانی خشونت علیه زنان، بزرگترین این اعتراضات 22 خرداد سال 1385 بود. روزی که ما بعنوان "کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان ایران" همراه "جامعه حمایت از زنان" در کردستان به مدیریت زنی مبارز و خستگی ناپذیر دیبا علیخانی و ده ها تشکل زنان دیگر فراخوانی گسترده دادیم. به جرات می توان گفت 22 خرداد 1385 بعد از اعتراضات زنان در هشت مارس 57، بزرگترین تجمع زنان علیه نقض حقوق زنان در ایران بود.

مبارزه ی زنان به دلیل ارتباطات جمعی گسترده ترو آگاهی بیشتر و با گسترش نارضایتی ها و نفرت از حکومت دیکتاتوری



اقدام مشترک
تشکل‌های مستقل زنان
Collective Action of indep.
Iranian Women Org

سپیده رشنو، نویسنده و هنرمند بیست و هشت ساله ایرانی پس از چهل روز بازداشت در تاریخ نهم مرداد ماه با قید وثیقه ای به مبلغ هشت میلیارد ریال آزاد شد. اقدام مشترک تشکلهای مستقل زنان ایرانی، دستگیری، شکنجه، اعتراف اجباری، وثیقه بیش از حد و نقض حقوق زنان از جمله حق اختیار بر بدن خویش و تحمیل حجاب اجباری در ایران را به شدت محکوم می‌کند. هنگامی که سپیده رشنو سوار اتوبوس شد، به دلیل عدم رعایت کامل حجاب اجباری، و بدحجابی، توسط یک زن محجبه آتش به اختیار "بازیگر غیردولتی" (برای اجرای احکام حکومتی) مورد تهدید قرار گرفت. ویدیویی که نشان می‌دهد سپیده بدون حجاب سوار اتوبوس می‌شود، او به عنوان نویسنده و مدافع حقوق زنان علیه حجاب اجباری صحبت می‌کند، با زن محجبه مقابله می‌کند و از حقوقش دفاع می‌کند، فیلم رویارویی او با این زن متجاوز داخل اتوبوس، در فضای مجازی پخش می‌شود. سپیده در بیست و چهارم خرداد، چند روز پس از انتشار این ویدئو دستگیر شد.

نافرمانی مدنی علیه حجاب اجباری بیش از چهار دهه است که در ایران با مجازات‌های شدید پاسخ داده می‌شود. سپیده مانند سایر مدافعان حقوق زنان در چهل و سه سال گذشته، دستگیر و به اتهامات «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی از طریق تماس با افراد خارج از کشور»، «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی» و «تشویق به فساد اخلاقی» و اشاعه فحشا متهم شد. «طبق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)

هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم میگردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

تبصره [جزای نقدی اصلاحی ۱۳۹۹/۱۱/۰۸] - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از دو تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

پس از گذشت چند روز از ناپدید شدن سپیده، تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی اقدام به پخش «اعتراف اجباری» سپیده می‌کند، او که به دلیل شکنجه‌های متحمل شده، حالش بد بود را بنمایش می‌گذارند.

از آغاز تحمیل حجاب اجباری در ایران، در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷، زنان ایرانی نه تنها در برابر حجاب اجباری بلکه در برابر سایر موارد نقض حقوق بشر زنان، دست از مقاومت نکشیدند.

تاکتیک‌های دستگیری، شکنجه، اعتراف اجباری مدافعان حقوق زنان، ممنوعیت تردد زنان «بدحجاب» در مترو و کاهش حقوق مدیران «بد حجاب» (نشان داد، که چگونه یک دولت مستاصل علیه زنانی که از فرامین آن سرپیچی می‌کنند، عمل می‌کند.

اقدام مشترک
تشکل‌های مستقل زنان
Collective Action of indep.
Iranian Women Org

Ebrahim Raisi

NO to attending the
UN GENERAL ASSEMBLY

YES to prosecuting at the
INTERNATIONAL CRIMINAL COURT

Association of Iranian Women in Florence, Italy
Association of Iranian Women in Montreal
Maanaav - LGBTQ Community - Sweden
Dallas Iranian Women Association (DIWA)
Everyday Feminism
Women for Sustainable Freedom & Equality
Orange County Women Study Group
Women Committee Against Stoning - Paris, France
Frauen Tribunal - Hannover, Germany
International Coalition Against Violence In Iran (ICAVI)
Iranian Circle of Women for International Networking (ICWIN)
Iranian Women Activist in Exile - Berlin, Germany
Iranian Women Association of Parto, Germany

Iranian-German women's association, Cologne, Germany
IWIN Iranian Women In Network
Left Unity of Women
No to hijab Campaign Iran- Women- Solidarity
Stop Honor Killings
The Organization for Emancipation of Women
Women and Anti-discrimination Committee of The Union for
Secular Republic in Iran
Women of Iran for Sustainable Equality
Zanan Group in Northern California
IKWRG-Women Rights Organizations
Together for Women's Health
Iranian Women Group - Frankfurt

پیرامون سفر رئیسی به نیویورک با پروانه عظیمی

رسانه ها، فرهنگ و هنر و احزاب سیاسی دوم: ساز کارهای سرکوبگر که به خشونت مستقیم متوسل میشود، مانند، قانون، پلیس و سپاه و زندان

در جمهوری اسلامی ایران از آنجایی که با یک دولت مذهبی عقب مانده سرمایه داری مواجه هستیم، قوانین برخاسته از مذهب و شریعت اسلامی اند، بنابراین عواملی را که به آن اشاره شد، با نقش بیشتر به خدمت منافع ارتجاع حاکم در آورده است. در خشونت دولتی از ابزارهای فرهنگی، مذهبی، مالی و غیره استفاده می شود تا به خشونت، مشروعیت داده شود و عاملان خشونت، به عنوان ناجیان فرهنگ و سنت و مذهب و قربانیان خشونت، به عنوان خاطی، ضد قانون و ضد دین و فرهنگ ستیز معرفی میشوند. در این مناسبات خشونت به امری روزانه و عادی و سپس طبیعی و دائمی و ضروری برای سلطه در جامعه تبدیل می شود و در همه سطوح اجتماعی راهش را می گشاید

در مرکز این قوانین عقب مانده، قانون اجباری و کنترل آشکار بدن زنان قرار دارد. حجاب اجباری در ایران هم نقش ایدئولوژیک دارد و هم نقش سرکوب و خشونت مستقیم، آشکار و نظامی می باشد. حجاب هم یکی از مناسبات خاص، فرهنگ، ایدئولوژی و قوانین است که به شدت زن ستیزانه و نمادی بارز از عریان ترین شکل ستم، سلطه و حاکمیت بر فرد در یک جامعه طبقاتی از نوع برده داری است و هم سرکوب آشکار و ابزاری برای مانور قدرت دائم رژیم جمهوری اسلامی ایران. اسلام از همان ابتدای استقرار این رژیم، موتور فکری حرکت بود. هویت سازی و موجودیت ایدئولوژی دانن به جامعه و افراد یکی از شروط اساسی در این حرکت بود که با حجاب اجباری آغاز شد.

ایدئولوژی و هویت، برای تمام افراد جامعه در کل مشروط به دولت تعریف، تثبیت و مهر و نشان شد. به این ترتیب تمام رفتارها، هویت ها و افکاری که به عنوان مسائل اعتقادی و نگرشی شخصی چه زن و چه مرد مطرح می شدند، به طور کامل در حوزه قدرت دولتی قرار گرفتند. این رژیم برای نظم بخشیدن به ساختار سرکوبگر اجتماعی مورد نظر خود از همان ابتدا باید قادر میشد که افراد جامعه را بر سر جای خودشان بنشانند و موقعیت آنها را چه به طور فردی و چه در ارتباط با دیگر افراد و نقش و تأثیراتی که قرار است بر نظم خاص مورد نظر رژیم داشته باشند، مشخص کند

در این نظم، ”زن“ یعنی نیمی از مرد، جنسی به طور طبیعی و خدایی فرود دست



پروانه عظیمی
فعال حقوق زنان از دالاس

رئیس، بخصوص در مورد پایمال کردن حقوق زنان ارائه دهید.

پروانه عظیمی: رئیس یکی از اعضای هیئت مرگ در دهه شصت، برای گرفتن جان ده ها هزار از جوانان آگاه، مبارز و آزادیخواه در زندانهای جمهوری اسلامی بوده، او و عمال شناخته شده دولت جمهوری اسلامی در ۴۳ سال یکی از مهره های اصلی گذشته بوده است که در حال حاضر با داشتن سمت ریاست جمهوری، با تحکم و توان بیشتری در راستای سرکوب ملت تحت ستم ایران و برای رسیدن به اهداف جمهوری اسلامی خدمت می کند. مردم ایران در سال ۹۶ و ۹۸ به دولت جمهوری اسلامی ایران ثابت کردند تاریخ مصرف استفاده از سیاست فریبکارانه اصلاح طلبی به سر آمده و به همین دلیل تنها راه باقی مانده برای دوام جمهوری اسلامی سیاست سرکوب می باشد و به همین دلیل، رئیس تنها مهره باقی مانده برای حفظ جمهوری اسلامی در شرایط بسیار نامناسب بحران اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی می باشد.

لازم به ذکر است که هر ساختار اجتماعی و سیاسی برای بقا و ماندگاری ناگزیر است نیروها و مناسبات تولیدی و از این رو فرهنگ و مناسبات اجتماعی، الگوهای فکری و ایدئولوژیک مرتبط با آن را تولید و بازتولید کند. در ایران مانند هر جامعه طبقاتی دیگر، دولت جمهوری اسلامی، حامی منافع سرمایه داری جهانی و به عنوان طبقه مسلط می باشد، که بسته به ماهیت و اهداف خود، سازماندهی کلیه این مناسبات را به منظور تضمین منافع طبقاتی اش در دست خود دارد. در ایران نیز با دو ابزار و ساز کار با هم به دولت سرمایه داری، کنترل این سازماندهی را اساسا پیش می برد.

یک: سازکارهای ایدئولوژیک از جمله، مذهب، آموزش و پرورش، خانواده، قانون،

<http://www.rahaizan.tv/2022/09/protest-against-raisi-un-visit.html>

از کوزه همان برون تراود که درآوست، در آستانه نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل هستیم و امسال هم حضور نمایندگان ارتجاع اسلامی و ضد بشر حاکم بر مردم ایران به اعتراضات وسیعی در مقابل این سازمان خواهد انجامید. شاید اگر سازمان ملل نامش را با مراسم تطبیق میداد و به "سازمان دول" متحد تغییر نام میداد، رنجش کمتری را به اعصاب مدافعین حقوق بشر وارد میکرد. اکثریت قریب به اتفاق این مقامات بهیچوجه منافع مردم کشور مطبوع خود را نمایندگی نمیکنند، بلکه مناسبات بین طبقات حاکمه این کشورها را رقم میزنند.

با اینکه رئیسی پرونده ضخیمی از جنایت علیه بشریت را زیر عبایش پنهان کرده، ولی اظهارات وی بمناسبتهای مختلف جنایات وی و همدستانشان را برای عموم آشکار میکند، از تایید و تمجید اعدامهای دهه شصت گرفته تا سرکوب زنان معترض به حجاب اجباری و همچنین توهین به حرمت انسانی شهروندان همجنسگرا در روزهای اخیر نمونه ای از محتویات متعفن کوزه حکومت اسلامی است، کوزه ای که وقت شکستن آن بدست توانای مردم آزادیخواه و برابری طلب ایران منتهاست فرا رسیده است.

در برنامه امشب پیرامون سفر رئیسی به نیویورک با پروانه عظیمی از فعالین حقوق زنان در دالاس تگزاس به گفتگو مینشینیم.

پروانه عظیمی عزیز به برنامه رهایی زن خوش آمدید.

مینو همتی: مقدما قبل از پرداختن به سفر نماینده جنایتکاران اسلامی به نیویورک، مایلم یک جمعبندی مختصر از کارنامه دولت

و ناقص العقل، زن یعنی موجودی که اگر در جامعه رها شود آن را به فساد و تباهی میکشاند، موجودی که تنها فلسفه وجودی و ماهیت او خدمت به مرد فرزندآوری برای او و برای جامعه اسلامی است. موجودی که باید کنترل شود حجاب به این "زن" رسمیت داد و نه تنها پشتیبان قوانین زن ستیزانه ای شد که از قبل وجود داشت، بلکه مجوز تصویب دیگر قوانین زن ستیزانه اسلامی در عقب مانده ترین حد ممکن بود. در حدی که دیگر جسارت و تصور هیچ تغییری را برای زنان ندهد. جای زن در این نظام در خانه و نقش آنها شوهرداری و بچه داری تعیین شد و نه در صحنه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، در تالش برای درک و تعیین سرنوشت جامعه. قانون حجاب به دلیل هویت ایدئولوژیک و مذهبی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به زنان اجبار شد، همزمان نقطه ای آغازین مشروعیت دادن به سرکوب و استفاده از نیروی زور مستقیم نیز بود اجبار حجاب با استفاده از نیروی زور و ایجاد ترس دائم در زنان و در نهایت تمام جامعه اجرایی شد و به همراهی دیگر قوانین زن ستیز آنه ای که در پی آن ضروری شد، نقش مهمی در عادی سازی استفاده از نیروی مستقیم سرکوب و خشونت و تشدید و تقویت آن یافت. از این رو، حجاب اجباری هم چهره و اعتبار اسلامی رژیم جمهوری اسلامی را حفظ و باز تولید می کند، هم اقتدار حکومت اسلامی را به نمایش در می آورد و هم پشتوانه دستگاه و سازوکارهای سرکوبگر، آن است. در شرایط کنونی حفظ منافع و نمایش اقتدار اسلامی و طبقاتی از راه به کار گرفتن مستقیم نیروی زور و سرکوب آشکار آن ساز و کار ضرورت آور نهفته در حجاب است، که در مطابقت با شکل ویژه رژیم جمهوری اسلامی در ایران قرار دارد.

علاوه بر تشدید حجاب اجباری، دستگیری، شکنجه و گرفتن اعترافات اجباری اضافه کردن جرایم نقدی بر اساس نوع پوشش زنان در زمان ریاست جمهوری رئیسی، عدم اجازه تماشای مسابقات ورزشی، محدودیتهای شرکت در رشته های ورزشی، محدودیت اجرای موسیقی، محدودیت انتخاب رشته های دانشگاهی، رواج کودک همسری و تن فروشی زنان، قتلهای ناموسی، تشدید فزاینده مردسالاری، قانون جوانی جمعیت و ندیده گرفتن حق زن بر بدن خویش و کنترل هرچه بیشتر بر زنان. زنان میتوان اشاره کرد. مینو همتی: بنظر میرسد رئیسی علاوه بر نمایندگی طالبان حاکم بر تهران مجبور شود که جای برادرانش، طالبان حاکم بر کابل را نیز پر کند. در صف مقابل نیز تظاهراتها و تجمعات اعتراضی تدارک دیده شده است. از

محتوای این اعتراضات و بخصوص مطالبات مطرح شده چه اطلاعاتی دارید که با بینندگان ما سهیم شوید؟

پروانه عظیمی: در آستانه برگزاری هفتاد و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مقر این سازمان در نیویورک ایالت متحده آمریکا در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲ هستیم. سازمان ملل متحد سالانه از سومین هفته سپتامبر کار خود را آغاز میکند و سران سیاسی دنیا و به طور عمده روسای جمهور این کشورها سخنرانان اصلی نشست هستند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد یکی از پنج رکن اصلی تشکیل دهنده این نهاد بین المللی و به بیان بهتر، تنها رکنی از سازمان ملل است که تمامی اعضا از حق رای یکسان در آن برخوردارند منشور سازمان ملل متحد، کارکرد مجمع عمومی، اینگونه تعریف شده است: رایزنی بررسی و ارائه توصیه هایی درباره موضوعاتی نظیر صلح و امنیت بین الملل، خلع سلاح.

حقوق بشر، راهکارهایی برای حل و فصل اختلافات کشورهای متنازع مایک پمپئو وزیر امور خارجه پیشین آمریکا و تعدادی از سناتورهای جمهوریخواه آمریکا به رهبری تام کاتن و مارکو روبیو در نامه خطاب به دولت بایدن از او خواستند که به ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور اسلامی ایران و هیئت همراه او برای سفر به نیویورک ویزا صادر نکند، در این نامه نقش رژیم ایران در تامین مالی تروریسم در خاورمیانه و توطئه برای ترور مقامات عالی آمریکا و برنامه ریزی برای ربودن شهروندان آمریکا در خاک این کشور اشاره شده و آمده است، این فرصتی برای ماموران سپاه پاسداران است که در چارچوب هیئت همراه رئیسی به آمریکا سفر کند

در این نشست همچنین، نصیر احمد فایق نماینده دائم افغانستان در سازمان ملل متحد حضور خواهد یافت. فعالیت ها برای جلوگیری از حضور قاضی مرگ در نیویورک و همچنین برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل کاخ شیشه ای همزمان با سخنرانی ابراهیم رئیسی آغاز شده است. شماری از فعالان سیاسی، مدنی و حقوق بشری اعلام مخالفت با این حضور فعالیت های خود را آغاز کرده اند رئیسی در فهرست تحریم های آمریکا و اروپا قرار دارد بسیاری سازمانهای حقوق بشری نیز به دلیل پیشینه قضایی و مشارکت او در سرکوب ها و اعدام ها، و خواستار محاکمه او در محکمه بین المللی هستند. او که به دلیل سوابق امنیتی و قضایی خود و همکاری با هیئت مرگ در روند کشتار زندانیان

سیاسی در سال ۱۳۶۷ به نقض فاحش حقوق بشر در ایران متهم است، خود را مدافع حقوق بشر معرفی می کند و پیشتر به شبکه خبری الجزیره گفته است: "تمام اقداماتی که در مدت مسئولیت انجام دادم در جهت دفاع از حقوق بشر بوده است. با کسانی که اختلال در حقوق انسانها ایجاد کردند و دست و حرکات داعشی و اقدامات ضد امنیتی زدند همواره در دستگاه قضایی به عنوان یک حقوقدان و قاضی مدعی حقوق انسانها و در جایگاه دفاع از حقوق بشر برخورد کرده ام او در مراسم تحلیف خودش در برابر صدها میهمان خارجی نیز گفته بود: "ما مدافع واقعی حقوق بشر هستیم.

رئیسی در آبان ۱۳۹۸ به فهرست تحریم خزانه داری آمریکا وارد شده و سال ۱۳۸۹ نیز در لیست تحریم های اتحادیه اروپاست. یکی از اعضای "هیئت مرگ" در دادگاه های سال ۱۳۶۷ در ایران است، دادگاه هایی که هزاران زندانی سیاسی را در حالی که در حال گذراندن حکم های خود بودند به اعدام محکوم کرده و به دار آویختن. لازم به ذکر است که پست ریاست جمهوری اما برای او "مصونیت دیپلماتیک" ایجاد میکند.

در اعتراض به حضور رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل امسال، فعالین حقوق سیاسی و انسانی با دادن فراخوان، اطلاعیه، تهیه پوستر، جمع شدن در مقابل ساختمان محل برگزاری این مجمع، میخوانند بازتاب صدای اعتراض مردم تحت ستم ایران باشند و ۴۳ سال ظلم، جنایت جمهوری اسلامی ایران را به گوش جهانیان برسانند و ماهیت این حکومت ضد مردمی را که ملت ایران نتیجه ای جز، رواج فقر، بیکاری، فساد، اعتیاد فحشا و تن فروشی، غارت سرمایه های ملی، رانت خواری های کلان دولتی، دستگیری شکنجه و اعدام معترضین و آزادی خواهان، نهادینه کردن ستم چندگانه بر زنان، و رواج هزاران معضل اجتماعی دیگر جمهوری اسلامی را افشا کنند.

مینو همتی: با توجه به پوشش خبری این نشست، بنظر شما فعالین حقوق زنان چگونه میتوانند از این موقعیت بهره جویند و با بیان وضعیت زنان تحت حاکمیت قوانین اسلامی توجه مردم آمریکا به عواقب دهشتناک حاکمیت مذهب جلب کرد؟

پروانه عظیمی: افشا کردن ماهیت انسان ستیز و زن ستیز جمهوری اسلامی در چنین شرایطی در برابر چشم نه تنها مردم آمریکا بلکه جهانیان، توسط زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب، فعالین حقوق زنان از ضروریات می باشد. حاضر شدن فعالین و

ادامه در صفحه 22

جهان در های خود را به روی مردم افغانستان بست
 یک سال پس از فروپاشی دولت افغانستان به ریاست اشرف غنی احمدزی گذشت
 گزارش از سحر صامت



بهانه ای برای حذف زنان از جامعه دارند، همان ها طبق قانون شریعت و طالبانی خود هم زنان معترض خیابانی را در بازداشتگاه های خود مورد خشونت های جنسی قرار می دهند، هم مشروبات الکلی مصرف می کنند و هم یک تعداد از زنان دیگر را می رقصانند. همان طالبانی که با امدنشان در مدارس به روی دختران بسته شد اما فرزندان خودشان در بیرون از افغانستان در بهترین مدارس و با امکانات بسیار خوب و با هویتی دیگر در حال تحصیل اند.

تا کنون شاهد نشر عکس تعدادی از مردم شده ایم که از فرط گرسنگی مرده اند، مردی که از فقر زن خود را فروخت و تعدادی هم برای زنده ماندن خود خانواده خود در حال فروش اعضای بدن مانند کلیه خود هستند. انفجار و انتحار هنوز هم ادامه دارد و مردم هنوز هم در غم عزیزان خود سوگواری می کنند. یکبار دیگر اقلیت های قومی و غیره تحت فشار اند.

به علت بسته شدن راه های مواصلاتی خدمات پزشکی و دسترسی به دارو نیز سخت شده است.

از طرف دیگر هم افراد تحصیل کرده و متخصص کشور را ترک کرده یا در حال ترک کردن هستند و این امر باعث می شود که نظم اجتماعی به صورت سیستماتیک از هم پاشیده شود.

طبق پیش بینی سازمان یونسف بیش از ۱۰ میلیون کودک به کمک های جدی و فوری در سال ۲۰۲۲ در افغانستان نیاز دارند.

اکنون مقامات پاکستانی به صورت علنی برای آینده سیاسی مردم افغانستان تصمیم می گیرند و از سوی دیگر افغانستان در حال تجزیه توسط پاکستان است.

جهان در های خود را به روی مردم افغانستان بست، نه کمک های مالی، نه حمایت سیاسی از مردم افغانستان و نه پذیرش مهاجرین.

جنگ در اوکراین و آواره و کشته شدن هزاران انسان بیگناه در آنجا باعث شد تا تمرکز سیاستمداران برای رقابت با روسیه به آن سمت برود و افغانستان به دست فراموشی سپرده شود.

اکنون امید مردم افغانستان به همین اعتراضات است تا شاید سرنوشت سیاسی آن کشور به گونه بهتری رقم بخورد و مردم آن سرزمین نجات پیدا کنند.

از تک تک شما اشتراک کنندگان بخاطر حضورتان برای حمایت از مردم افغانستان، سپاسگزارم.

همچنان مسابقه ی نقاشی میان کودکان که تم آن آرزویشان برای فردای افغانستان بود ختم شد.

تعدادی از سیاستمداران سویدن نیز به جمع معترضین پیوسته و با ارسال پیام های تصویری توسط تلویزیون رهایی زن، با زنان و دختران در افغانستان. ابراز همدردی و

سخنرانی سحر صامت در مراسم

من سحر صامت یک تن از موسیس شبکه همیاری و همبستگی زنان افغانستان و ایران در آستانه یک ساله شدن سقوط دولت سابق افغانستان به رهبری اشرف غنی و روی کار آمدن یکی از افراطی ترین گروه های اسلامی و همچنان تروریستانی به نام طالبان هستیم.

باری دیگر سرنوشت افغانستان و به خصوص نسل جوان به سمت سیاهی سوق داده شد. یک بار دیگر به خاطر بازی های سیاسی ابرقدرتان، قشر تحصیل کرده، به خصوص زنان مورد هدف طالبان قرار گرفتند. اما این زنان اند که با اعتراضات خیابانی شان، با مبارزانتشان در اجتماع مانع مشروعیت گرفتن سیاسی طالبان و حکومتشان در جهان شده اند.

من به عنوان یک خبرنگار و کسی که ارتباطات دنیای مجازی نزدیکی با این زنان دارد، از خیلی اتفاقات آگاه ام اتفاقاتی که کمتر رسانه ای می شود.

مانند دست درازی و تجاوز طالبان به زنان معترضی که در بازداشتگاه های آنها به سر می برند. همان طالبانی که حضور زنان را در جامعه خلاف شریعت اسلامی دانسته و

<http://www.rahaizan.tv/2022/08/the-world-closed-its-doors-to-afghan.html>

یک بار دیگر مردم افغانستان دستخوش سیاست های ابرقدرتان شدند و به لطف تصمیم ابرقدرتان یک بار دیگر زندگی به کامشان تلخ شد. دقیقاً یک سال از اعتراض خیابانی زنان مبارز و معترض میگذرد. اما انگار هیچ کس فریادشان را نمی شنود، چه کابوس وحشتناکی. فرار است تحت قوانین یک گروه رادیکال اسلامی و تروریستانی زندگی را سپری کنند که هیچ ارزشی برای حقوق انسانیشان قابل نیست.

اما تعدادی از افغان ها در این سوی آنها، جایی که اعتراض حق مسلم همه انسان هاست، به مناسبت سقوط ننگین دولت افغانستان که معاملات سیاسی را به همراه داشت با برگزاری تظاهرات همزمان دست علیه حکومت امارات اسلامی دست به اعتراض زدند.

روز شنبه سیزدهم آگوست سال ۲۰۲۲ چندین شهر از کشورهای اروپایی همزمان شاهد برگزاری تظاهرات علیه رژیم اجباری و ناخواسته طالبان بود. شهر گوتنبرگ نیز از دسته شهر هایی بود که صدای اعتراض مردم علیه خشونت های طالبان بر مردم افغانستان به خصوص زنان و قشر تحصیل کرده روا می دارد در میدان گستاف آدلفش پیچید.

برنامه با آهنگ میهنی از خواننده معروف افغانستان مددی به نام (وطن عشق توست افتخارم آغاز شد و با سخنرانی ها، شعار سردادن ها، به نمایش گذاشتن عکس ها و

Sahar Samet Speech:

I am Sahar Samet, one of the founders of **Cooperation and Solidarity Network of Women of Afghanistan and Iran (CSNWI)**.

We are on the verge of the one year anniversary of the fall of the former government of Afghanistan led by Ashraf Ghani and the rise of one of the most extreme Islamic groups and terrorists called the Taliban.

Once again, the fate of Afghanistan, especially the young generation, was pushed towards darkness. Once again, because of superpower's political games, the educated class, especially women, was targeted by the Taliban. But it is these women who, with their street protests, with their struggles in society, have prevented the Taliban and their government from gaining political legitimacy in the world.

As a reporter and someone who has close online connections with these women, I am aware of many things, events that get less media attention.

Such as the Taliban's assault and rape of female protesters who are in their detention centers. The same Taliban who consider the presence of women in the society against the Islamic Sharia and have an excuse to exclude women from the society, according to the Sharia law and the Taliban, they subject women protestors on the street in their detention centers to sexual violence and alcohol. They consume and also make a number of other women to dance for them.

The same Taliban who closed schools to girls with their arrival, but their own children are studying outside of Afghanistan in the best schools with very good facilities and with a different identity.

So far, we have seen the publication of photos of a number of people who died of starvation, a man who sold his wife due to poverty, and some are selling their body parts such as their kidneys to survive.

Explosions and suicides are still going on and people are still mourning their loved ones.

Once again, ethnic minorities and others are under pressure.

Due to the closure of transportation routes, medical services and access to medicine have also become difficult. On the other hand, educated and specialized people have left or are leaving the country, and this causes the social order to systematically disintegrate.

According to UNICEF, more than 10 million children need serious and urgent help in 2022 in Afghanistan.

Now the Pakistani authorities are publicly deciding the political future of the Afghan people and on the other hand Afghanistan is being divided by Pakistan.

The world closed its doors to the Afghan people, no financial aid, and no political support for the Afghan people, and no acceptance of immigrants. The war in Ukraine and the displacement and killing of thousands of innocent people there caused the focus of politicians to go in that direction to compete with Russia, and Afghanistan was forgotten.

Now the hope of the people of Afghanistan lies in these protests so that the political fate of that country and the people of that land may be better. Be saved

Thank you to each and every one of you who participated in supporting the people of Afghanistan.



اندش پورانسون؛ یکن از برگزار کنندگان تظاهرات

Anders Göransson; One of the organizers of the demonstration.

در قدم اول می‌خواهم به زنان افغانستان بگویم که شما علی‌رقم تمام اقدامات وحشتناکی که رژیم طالبان در مقابل شما دارند، بی‌نهایت قابل ستایش هستید. این که شما با شجاعت در مقابل آنها می‌ایستید و حقوق خود را مطالبه می‌کنید قابل ستایش است.

دوماً می‌خواهم به شما بگویم که ما دین سوی دنیا کاملاً وحشت زده هستیم که چگونه یک رژیم می‌تواند روی کار بیاید اینگونه مانند طالبان به حقوق انسانی بخصوص حقوق زنان دیدگاه نادرستی دارد.

همانگونه که من در سخنرانی خود ذکر کردم ما حتی فکرش را هم نمی‌کردم که قرار باشد وضعیت سیاسی به اینگونه خطرناک پیش برود. اما حالا اوضاع خیلی وحشتناک و غیر قابل تحمل شده و ما طبیعتاً در سویدن هر آنچه که از دستمان برای نجات حقوق انسانی مردم افغانستان بر بیاید انجام می‌دهیم، تا بتوانیم در مقابل خواست رژیم طالبان حرکت کنیم. چون از ظلمی که زنان بر در افغانستان می‌شود غیر قابل تحمل است. ادامه در صفحه 21

موش مرده ها وقتی بقدرت میرسند آن کار دیگر میکنند
مصاحبه سازمان رهایی زن با نسرین پرواز



<http://www.rahaizan.tv/2022/08/salman-rushdie-victim-of-islamic-regime.html>

از زمانهای دورمذهبیون خود را از مهربانترین و دلسوزترین موجودات روی زمین معرفی میکردند، لیکن وقتی بقدرت میرسند، آن کار دیگر میکنند و از جلاذترین و خونخوارترینهای تاریخ حکومتهای متوحش وحشتناک تر و بی رحمانه تر عمل میکنند. حکومت کلیسا در قرون وسطی، حکومتهای اسلامی در ایران و افغانستان و حکومت بودانیان میانمار چند نمونه از خروار است. همین آخوندهای حاکم، آن زمان که زیر سایه شاه، آزادانه در منابر مشغول عوامفریبی بودند، روایت میکردند که پیامبر اسلام از کوچه ای عبور میکرد که زنی یهودی بر سر او خاکستر میپاشید، یکروز متوجه میشود که چند روزی است که از زن خاکستر ریز خبری نیست، چون آگاه میشود که آن زن در بستر بیماریست، پیامبر به عیادت او میرود. اینرا بالای منابر میگفتند تا پانمبریهایشان را مجذوب درجه بالای بخشش و عطوفت اسلام کنند.

وقتی همان آخوندها به برکت جنگ سرد و با کمک کفار بقدرت سیاسی و حکومتی رسیدند. این نمایندگان تام الاختیار خدا بر روی زمین، نه تنها کاسه داغتر از آتش شدند، بلکه حتی نویسنده یک رمان را به اتهام اهانت به پیامبر اسلام در یک رمان تخیلی محکوم به قتل کردند. این آقایان نشان دادند که حکومت مذهبیون جهنم روی زمین برای انسانهای شرافتمند و بهشت روی زمین برای منادیان زر و زور و تزوییر و چپاول است. فتوای

خمینی علیه سلمان رشدی نمونه بارز توحش این قوم آدامخوار است و تا زمانی که جنایتکاران فتوا صادر کن از هر دین مذهبی مصونیت قضائی دارند، بشریت روی آرامش را نخواهد دید. بعید میدانم که آن جوان ابله شستشوی مغزی شده که به سلمان رشدی حمله کرد و هفت ضربه چاقو مزین به دسته فتوای خمینی بر او وارد کرد، حتی یک فصل از کتاب این نویسنده جسور را خوانده باشد.

شرم بر هر آنکس که این فتواها را بصراحت محکوم نمیکند. بشریت متمدن میبایست صادر کنندگان این فرامین را در دادگاههای بین المللی به محاکمه بکشد، دارائیهایشان را بنفع قربانیان و برای اشاعه فرهنگ بشر دوستی صادره کند.

در برنامه امشب از نسرین پرواز، نویسنده و از زندانیان سیاسی دهه شصت دعوت کردیم تا پیرامون ضدیت ذاتی حکومتهای مذهبی با آزادی بیان و اندیشه به گفتگو بنشینیم.

مینو همتی: هنگام ظهور مذاهب ابراهیمی، دانش علمی بشر همچون جنین در بطن جوامع آنروز شروع به رشد کرده بود. در قرون وسطی دستگاه مذهب متوجه تاثیر دانش بشری بر بیداری عوام میشود و با آن در میافتد و کمر به قتل این نوازد میبندد. جوانان اروپا از تاریخ قرون وسطی و نقش خفقان آور حاکمیت مذهب چه میدانند؟

نسرین پرواز: آنهایی که تاریخ میخوانند میدانند که در قرون وسطی چه گذشته ولی عوام نمیدانند. آنها فکر میکنند این نوع تروریستم مخصوص این دوره تاریخی و

مربوط به اسلام است. مثلا وقتی از سنگسار زنان در ایران و جوامع اسلامی صحبت میشه نمیدانند که در قرون وسطی هم این نوع کشتن توسط مذهبیون وجود داشته. و یا اینکه در ایران انسانها را مجبور میکنند که علیه خودشان اعتراف کنند - در قرون وسطی هم کلیسا اینکار را میکرد.

اینکه مردم زیادی در جوامع غربی از تاریخ خودشون بی خبر هستند به این دلیل است که در هر زمانی حاکمان سعی میکنند مردم را از تاریخ شان و واقعیت جامعه طبقاتی دور نگه دارند. در این دوره اینکار از طریق مدیا انجام میشه. رادیو و تلویزیون مصرف زیادی دارند و ابزار دولتها برای شکل دادن ذهنیت جامعه هستند. این واقعیت همه جوامع است. همانطور که جمهوری اسلامی سعی میکنه مردم از تاریخ خودشون بیخبر باشند - دولتهای غربی نیز همین کار را میکنند.

مینو همتی: موسسین و گردانندگان حکومت اسلامی، همانهاییکه در زیر سایه حکومت اعلیحضرت ماهنامه مکتب اسلام را با کاغذ مرغوب دولتی چاپ و توزیع میکردند، تا دامنه عوامفریبشان قشر با سواد را نیز پوشش داده باشد. پس از به حکومت رسیدن و دستیابی به تمامی امکانات تبلیغی دولتی متوجه شدند که عوامفریبی به تنهایی کافی نیست. اشاعه رعب و وحشت نیز لازمه حکومت مذهبی است. زندانها بهترین نمونه ذات واقعی این نوع حکومت است. از تبلور این سیاست در زندانها برای بینندگان ما بگوئید.

نسرین پرواز: سعی در کشتن سلمان رشدی دقیقا همان کاری است که جمهوری اسلامی بیش از چهل سال است انجام میدهد. صدها ایرانی توسط جمهوری اسلامی در ایران و خارج از ایران ترور شدند. دستگیری و اعدام هر کسی که حتی نقد کمرنگی به رژیم داشت چهل سال است که تکرار میشود. چه برسد به افرادی که خواهان برچیدن بساط رژیم بودند و هستند و برای آزادی و برابری مبارزه کردند و میکنند.

کسانی که زمان قدرت گیری اسلامیهتها در ایران هنوز بدنیا نیامده بودند - مثل نسل من که با این رژیم مبارزه کرد زیر فشار شکنجه و اعدام مقاومت و مبارزه میکنند. در دوره ای که من در زندان بودم - بچه های ۱۲ و ۱۳ ساله را بخاطر داشتن یک نشریه در

کیفشان دستگیر و اعدام می‌کردند. در اینجا وقتی می‌گم زن حامله را بعد از زایمان اعدام می‌کردند - باورشان نمیشود. شلاق زدن زندانیان به دلیل رعایت نکردن قانونهای مسخره در زندان و مجبور کردن دیگر زندانیان به تماشای شکنجه هم بندیانسان از کارهایی بود که می‌کردند. و وقتی زندانیان حاضر نمیشدند به تماشای شکنجه همبندی هایشان بشینند آنها را نیز به شلاق میبستند.

من ۶ ماه اول دستگیری ام را در کمپته مشترک ضد خرابکاری بودم که حالا آنرا موزه عبرت کردند و میگویند فقط رژیم شاه از آن استفاده کرد. در حالیکه خودشان ۲۰ سال از آن برای شکنجه و اعتراف گیری از زندانیان استفاده کردند. بخشی از این نسلی که به موزه عبرت میره و آنرا فقط یک موزه میبیند نمیداند که چه بسایکی از فامیلهایش و با همسایه اش در آنجا شکنجه شده و رژیم آثار زندانیان بر روی دیوارهای آنرا پاک کرده. ما هر روزی که میگذشت روی دیوار سلول مان خط میکشیدیم. همه آن خطها و نقاشی های روی دیوارهای سلولها را پاک کردند که بازدید کنندگان از خودشان نپرسند مریم - مجتبی - مهین - مصطفی - مهری - محمود و هزاران نام دیگر بر آن دیوارها چه کسانی بودند - و آیا زنده اند؟ آن زندانیان وقتی این موزه شکنجه گاهشان بود آنرا چطور دیدند؟ وقتی من به اوین منتقل شدم بیشتر زندانیان زیر ۱۸ سال بودند. در آن زمان هر روز ۷۰ - ۸۰ نفر را اعدام می‌کردند. بعضی از آنها را آنقدر شکنجه می‌کردند که در حسینیه اوین در بین زندانیان علیه خود اعتراف کنند و بعد اعدام میشدند.

بعد از اعدامهای هر روزه من شاهد قتل عام زندانیان بودم. هزاران زندانی را که بیشتر آنها در زمان دستگیری زیر ۱۸ سال بودند - سال ۶۷ اعدام کردند.

نسل من هم که خیلی از آنها شکنجه و اعدام شدند همین خواسته هایی را داشتند که نسل کنونی دارد و برایش مبارزه میکند و شکنجه و اعدام میشود.

مینو همتی: تا آنجا که شما با خبرید، واکنش اهل قلم و دوستان کتاب و آزاد اندیشان به این جنایات فتوائی - تروریستی چه بوده است؟

نسرین پرواز: خیلی از نویسندگان این عمل تروریستی را محکوم کردند.

jk_rowling نویسنده کتاب هری پاتر نوشت حالم خیلی بده. امیدوارم حال رشدی خوب بشه.

یک حزب الهی به اسم میر آسف برایش نوشت: نگران نباش تو بعدی خواهی بود. روزنامه های جمهوری اسلامی مثل کیهان -

هفته نامه ۹ دی - روزنامه خراسان - و همشهری از حمله به سلمان رشدی دفاع کرده اند.

مینو همتی: سلمان رشدی و تاریخ این فتوا چه میدانیم؟

نسرین پرواز: سلمان رشدی نویسنده ۷۵ ساله در هند دنیا آمد و تابعیت انگلیس را دارد. او خیلی زود اعتقادات اسلامی را کنار گذاشت. او را برای بزرگترین جشن کتاب به نیویورک دعوت کرده بودند و در حالیکه او را معرفی می‌کردند و قبل از اینکه سخنرانیش را شروع کند یک تروریست اسلامی با چاقو به او حمله کرد.

در اعتراض به انتشار کتاب آیه های شیطانی برخی مسلمانان در کشورهای مختلف دست به تظاهرات زدند.

فتوای خمینی علیه سلمان رشدی سی و سه سال پیش - یک سال بعد از انتشار کتاب آیه های شیطانی بود. خمینی گفت سلمان رشدی مرتد است و باید او را کشت.

یک سال بعد از فتوای خمینی فردی لبنانی الاصل که تبعه فرانسه بود در لندن قصد داشت رشدی را با عملیات انتحاری به قتل برساند ولی بمب او زودتر منفجر شد و خودش مرد.

چند تن از مترجمین این کتاب توسط تروریستهای اسلامی به قتل رسیدند. از جمله هیتوشی ایگاشی مترجم ژاپنی آیه های شیطانی سال ۱۹۹۱ در دانشگاهی که فرهنگ اسلامی تدریس میکرد مورد حمله تروریست اسلامی قرار گرفت و کشته شد.

مینو همتی: آیا وقت آن نرسیده که نهادهای بشر دوست صاحب نفوذ امکانات مبارزه ای جدی و همه جانبه با عوامفریبی این جنایتکاران ضدبشر را سازمان دهند و این دور باطل را از گردونه تاریخ خارج کنند.

نسرین پرواز: نهادهای بشر دوست پا از گلیمشان فراتر نمیگذارند. به طور مثال چندی پیش من با امنستی صحبت کردم که در مورد زینب جلالیان که ۱۴ سال بدون یک روز مرخصی در زندان است کاری انجام دهند. به آنها گفتم زینب نیاز به دکتر دارد. گفتند ما سال ۲۰۱۹ اطلاعیه ای در رابطه با زینب دادیم. کاری که امنستی میکند اطلاعیه دادن است.

نهادهای دیگر هم تا حدی فعالیت میکنند که با دولتها درگیر نشوند. وگرنه سرنوشت جولین آسانژ را پیدا میکنند که سالهاست در زندان است. چرا که تروریسم دولتهای غربی از جمله آمریکا را در ویکیلیکس افشا کرد. جولین آسانژ بیمار و از درمان محروم است. او را در زندانی در انگلیس نگه داشته اند و

مدام در خطر فرستادن به آمریکا است. آمریکا او را میخواهد که بخاطر افشاگری هایش در مورد کشتار مردم بیگناه توسط نیروهای آمریکایی محاکمه کند.

سال ۲۰۱۹ خامنه ای در صفحه تویترش نوشت فتوا علیه سلمان رشدی سر جایش هست. نهادهای بین المللی آنرا خواندند و به روی خودشان هم نیاوردند. اگر می خواستند میتوانستند نمایندگان جمهوری اسلامی را از نهادهای بین المللی بیرون کرده و سفارتخانه هایش را ببندند تا خامنه ای ترویج ترور را کنار بگذارد.

مینو همتی: کلام آخر؟

اسلامیستها از آزادی بیان وحشت دارند. چرا که با وجود آزادی بیان مردم به این واقعیت که مذهب چرنیات است پی میبرند و آنرا کنار میگذارند.

این حمله نشان از قدرت کلمه و نظر دارد. اگر کتاب و نظر و بیان قدرت نداشتند ما شاهد ترور رشدی ها نبودیم.

حمله به سلمان رشدی باعث میشه که کسانی که کتاب آیه های شیطانی را نخونده اند آنرا بخوانند. قدرت یک نویسنده خیلی بیشتر از یک تروریست است. کتابهای سلمان رشدی را مردم برای سالهای سال خواهند خواند. او در نوشته هایش زنده است - در حالیکه هادی مطر که به او حمله کرد با مرگش میمیره.

چیزی که این تروریستها متوجه اش نیستند اینه که مردم فکر میکنند اگه مذهب باعث میشه که اینها از چند جمله بترسند - این چه جور مذهبی است؟ و از آن مذهب متنفر میشوند.

حمله به رشدی نشان میده که باید از آزادی بیان و آزادی نگارش دفاع کرد.

امیدوارم سلامتی اش را هر چه زودتر بدست بیاره.

به سازمان رهایی زن

پیوسته

عینک سیاه (داستان واقعی زندگی نویسنده)

نسرین موسوی ایلخچی علیا قسمت چهارم



شب قبل از خواب به مامانم گفتم مامان تو صبح برو سرکار من حال خوبه وقت ملاقاتی دوباره بیا ، چشمامو بستم دلم خیلی گرفته بود دلم میخواست تنها باشم هیچکس باهام حرف نزنه دلم میخواست به خواب رنگی ببینم . خواب کوچمون و اینکه چشم خوب خوب شده و دارم تو کوچه با بچه ها بازی میکنم و مامان بزرگم باهام مهربون شده و دیگه دعوا نمیکنه .

فردای اونروز وقتی چشمامو باز کردم حسابی گرسنه بودم دلم میخواست به عالمه خوراکی بخورم . خانم پرستار سرم دستمو درآورد و گفت هر چی دوست داشتی میتونی بخوری فقط مواظب باش دستشویی که میری سرت گیج نخوره که بیایتی بدو بدو نکن . سعی کن بیشتر استراحت کنی . خانم مهربون تخت کناری صبحونه ۶ صبح رو برام نگه داشته بود انگار خواب مونده بودم بعد از فلاسک چایی ش برام چای ریخت و کنارم نشست ، اینقدر تند تند میخوردم که خنده اش گرفت و گفت آروم تو گلوت گیر میکنه ، ولی من دو روز بود هیچی نخورده بودم ، خانم هم تختیم گفت کلاس چندمی گفتم پاییز که بشه میرم اول راهنمایی ، با تعجب گفت اول راهنمایی من فکر کردم حتما کلاس چهارم یا پنجمی ولی باریکلا خیلی شجاعی همه ی پرستارا راجع به تو حرف میزنن.

از اینکه به فکرم بود و صبحونمو نگه داشته بود تشکر کردم و بعد صبحونه بلند شدم تا کمی راه برم، تو راهرو خانم هدایت رو دیدم که داشت راهرو رو تی میکشید بهم گفت اگر دستشویی میری مواظب باش آینه شکسته نری بیایتی همون دستشویی اول رو برو الان کارم تموم بشه میام جارو میکنم، دستشویی نداشتم اما یهو یه فکری به ذهن رسید ، به سمت دستشویی رفتم انگار آینه از جاش کنده شده بود، افتاده بود زمین و چند تکه شده

که دستم زخمی شده بود از اش خون میومد ، پرستارا دستامو گرفتن و آینه شکسته رو از لای مشتم بیرون کشیدند و یه مشت گاز استریل گذاشتن لای مشتم ، ولی هر کاری میکردن ساکت نمیشدم جیغ میزد و گریه میکردم میون جیغ و فریاد هام صدایی تقریبا آشنا رو شنیدم پرستار اینجا چه خبره ، پرستارا هول کرده بودن ، پرفسور ببخشید شوک عصبی نمیدونیم چی شده صدای آشنا نزدیک شد این که مریض منم اینجا چیکار میکنه کی عملش کرده میون اشک و خون صدای آشنا رو شناختم پرفسور پیروز بود همون که از ۲ سالگی هر ۶ ماه پیشش میرفتیم و همیشه به مادرم میگفت صبر کن ۱۸ ساله بشه با دیدن پرفسور پیروز گریه ام بیشتر شد و بغلش کردم لباس سفیدش خونی شد پرفسور پیروز فریاد کشید برای چی و ایستادین وسایل پانسمان بیارین و گفت آخه من چی بگم مگه قرار نبود صبر کنید؟ اینجا چیکار میکنید ؟ من همونجور که گریه میکردم گفتم دکتر صادقی گفت عملت میکنم خوب میشی من من دوباره گریه ام بیشتر شد ، پرفسور صورتمو تمیز کرد و چشمم و بست و به پرستار گفت ببین دکتر صادقی کجاست ؟ بعد رو بمن کرد گفت آروم باش

با جیغ زدن و به خودت صدمه زدن هیچ چیزی عوض نمیشه ، مادرت کجاست؟ پرستار به جای من جواب داد مادرش بعد از ظهرها میاد گویا شاغله ، پرفسور پیروز قبل رفتن بهم گفت به مادرت بگو بیاد اتاقم امروز تا ۵ بعدازظهر بیمارستانم و در حالی که خیلی ناراحت بود رفت بعد از رفتن پرفسور یکی از پرستارا نزدیکم شد و گفت امروز آبروی همونو پیش پرفسور بردی بعد در حالی که بهم آمپول میزد گفت آرومت میکنه اینقدر بزرگ شدی که متوجه کار بدت شده باشی لازمه که دستاتو به تخت ببندم ؟ تو فکر نکردی بخیه هات پاره بشه چی میشه و من که هنوز گریه ام بند نیومده بود گفتم اصلا بمیرم مهم نیست من این چشمو نمیخوام دکتر صادقی بهم دروغ گفت خانم پرستار گفت آخه عزیزم چشمت هنوز متورمه بخیه داره چاقو خورده چه انتظاری داشتی همونجور که گریه میکردم گفتم شما فکر کردین من بچه ام من بزرگ شدم ۱۲ سالمه خودم میدونم چشم خوب نشده . خانم مهربون تخت کناری با گوشه روسری اشکاش و پاک کرد گفت بمیرم برای غصه ات به خدا توکل کن مادر . اون لحظه ها انگار همون آینه شکسته تو قلمم فرو میرفت ، دنیای بچگیم رویاهایی که داشتم همه یکی یکی جلوی چشمم روی سرم خراب میشد حسی عجیب بهم میگفت دیگه خوب نمیشم،

بود سریع يك تکه آینه برداشتم و زیر پیرهلم قایم کردم یه نقشه داشتم آروم به اتاقم برگشتم و سریع تکه آینه شکسته رو تو کمد گذاشتم فردا قرار بود دکتر صادقی چشمم و باز کنه . لحظه ها خیلی سخت میگذشت حوصله هیچی رو نداشتم اون شب اصلا از اتاقم بیرون نیومدم فقط میخواستم صبح بشه، و چشمام و باز کنم . بلاخره مثل هر صبحی خورشید طلوع کرد و روز شد انتظارم زیاد طول نکشید چون ۸ صبح دکتر صادقی با همون گروه شیرهای گرسنه ی درمانگاهش وارد شدند . سلام کردم و مثل همیشه جواب سلاممو نداد و مشغول یه سری توضیحات به شاگرداش شد بعد آروم باند چشمم و برداشتم احساس سبکی کردم، ولی چند ثانیه بعد درد شدیدی تو صورتم پیچید ، پرستار با یه سینی که توش یه ظرف استیل کوچیک باند و بتادین بود نزدیک شد و رو تخت گذاشت و کنار رفت نگاهم تو صورت پرستار خشک شد نگاهش اصلا خیر خوبی نمیداد دکتر صادقی با پنس و گاز استریل داشت چشممو تمیز میکرد و دائم حرف میزد و پسرها و دخترها مرتب سوال میکردند و تند تند یه چیزایی تو دفترشون مینوشتن ، دکتر صادقی رو به یکی از شاگرداش گفت پانسمان فشاری بزار ممکن خونریزی کنه و همونجور که داشت صحبت میکرد به سمت بیرون اتاق رفت یهو با صدای بلند پرسیدم دکتر صادقی چشمم خوب شد باز هم بی توجه به سوالم فقط سری تکون داد و با شاگرداش از اتاق خارج شد ، شاگرد دکتر صادقی چسب آخر رو که به چشمم زد و سایل رو جمع کرد وقتی داشت از اتاق خارج میشد گفت عجول نباش صبر کن . ولی اینها هیچکدوم جواب سوال من نبود، از تخت بلند شدم و به سمت راهرو رفتم جلوی در ایستادم و اطرافمو نگاهي انداختم دکتر صادقی و شاگرداش از بخش خارج شدند ، و کم کم بخش از همهمه به سکوت میرفت ت پرستارا تند تند مشغول کاراشون بودن سراغ کمد رفتم و آینه شکسته ای که قایم کرده بودم برداشتم ، خانم هم تختیم داشت قرآن میخوند و اون یکی هم خوابیده بود ، هیچ کس حواسش بمن نبود آروم از يك طرف چسب روی صورتم رو برداشتم .

و گوشه پانسمان رو بلند کردم.. صدای سوت گوشخراشی تو مغزم پیچید ، جیغ کشیدم و بانداژ رو از صورتمو کندم یه گوشه پرتاپ کردم گرمی خونو تو صورتم احساس کردم شروع به جیغ زدن کردم گریه میکردم و میگفتم نه نه چشمم چرا اینجوری شده چرا بدتر شده من اینو نمیخوام اصلا همون چشم قبلیمو میخوام هنوز آینه شکسته تو مشتم بود اونقدر آینه رو فشار داده بودم

چند روز بعد وقتی فهمیدم دکتر صادقی برای لجبازی وقتی فهمیده من مریض پرفسور پیروز هستم منو به عنوان يك واحد درسی جراحی کرده و ازه قربانی رو فهمیدم ، کودکی تنها با مادری تنها تر با چشمانی اشک آلود و دلی شکسته به خونه برگشتیم، پرفسور پیروز به مادرم گفته بود که با این جراحی بیماری من فعال شده و بهتر فکر یه دکتر دیگه باشه چون خودش هم حاضر نیست درمان منو پیگیر باشه . مادرم از دکتر صادقی شکایت نکرد و مثل همیشه گفت آخه کی به حرف منه زن تنها گوش میده خدا جوابشو بده .

ولی من هیچی یادم نمیرفت همه اتفاقا مثل یه نوار ضبط شده تو ذهنم مونده بود و هی تو ذهنم تکرار میشد. کم کم پاییز داشت میرسید، مدرسه ها باز میشد من که اینهمه عاشق مدرسه و درس و مشق بودم ترسی همراه با یه غصه عمیق تو قلبم سنگینی میکرد، آخه دیگه اون مدرسه دوستا و بچه ها نبودند، وارد مدرسه راهنمایی میشدم با یه محیط جدید و آدمای جدید آشنا میشدم، پیش خودم میگفتم حتماً تا منتهای همه چپ چپ نگام میکنم و با دست بهم نشون میدن، شایدم همکلاسیام نزارن تو نیمکت کنارشون بشینم، یا همش ازم میپرسن چشمت چی شده، تازه الانم که چشمم خیلی بدتر از قبل شده، با مرور تمام اینها دیگه مثل سالهای قبل دلم نمیخواست اول مهر برسه، تازه اول مهر تولدم هم بود ولی امسال با سالای دیگه فرق داشت. اون روز عصر نزدیک ساعت پنج بعدازظهر مثل عادت همیشه کنار پنجره نشستم سالها بود زمان برگشت مادرمو کنار پنجره به انتظار مینشستم، وقتی به وسط کوچه میرسید بدو میدویدم و خودمو بهش میرسوندم ، معمولاً به نایلون خرید دستش بود ، منم خوشحال به کمکش میرفتم. پدرمو یادم نیامد اون ما رو ترك کرد و رفت و حتی یه خاطره تو دنیای بچگی برای من باقی نداشت، اون به هر دلیلی که مادرمو ترك کرد حق پدرشو نسبت به من و برادرم هم ادا نکرد، مادربزرگم ما رو بزرگ کرد و مادرم هم کار میکرد که خرج یه خانواده چهارنفره رو پرداخت کنه . ساعت از پنج گذشته بود و خبری از مادرم نبود از بس از پنجره آویزون شده بودم که مادربزرگم به اعتراض دراومد و گفت لااقل یه روسری بنداز سرت تا نصف تنت از پنجره آویزون میشی تا ته کوچه میبیننت، خوب میاد دیگه حتما رفته خرید میاد، در حالی که در مورد روسری خودمو به کوچه علی چپ زده بودم برای منحرف کردن قضیه گفتم نخیرم یادت رفته دیروز همه خریدارو کرده بود، خرید رفته یعنی کجاست؟ مادربزرگم سری تگون داد با کج خلقی گفت رفته سینما ، آخه

اون بدبخت کجا داره بره جز او کارخونه بعدشم دنبال کم و کسریای خونه اس تو عوض بلبل زبونی چای رو دم کن، میدونی که مادرت رسیده نرسیده چای میخواد. کنار سماور که داشت از قل قل خودکشی میکرد نشستم ، زیرشو کم کردم یه صدایی بهم گفت حتما از دست ما فرار کرده هفته پیش بود وقتی من و مهدی دعوا میکردیم عصبانی شد گفت نمیدونم از دست شما کجا فرار کنم، حتما فرار کرده ، حالا چیکار کنیم از کجا بیداش کنیم؟ در افکار غوطه ورم باز صدای مادربزرگ بلند شد پس چی شد نشستی به دیوار نگاه میکنی چای و دم کن. شیر سماور و باز کردم بخار گرم سماور با بوی مطبوع چای بلند شد و صدای دلنشین آبی که توی قوری میرخت منو از افکار پریشونم دور کرد. وقتی قوری رو رو سماور گذاشتم صدای مادرمو شنیدم کسی نیست کمک کنه آهای اهالی خونه با خوشحالی و بدو بدو خودمو به راه پله رسوندم و گفتم اومدی مامان فرار نکرده بودی؟ مادرم که با دو تا نایلون پایین پله ها ایستاده بود گفت کجا فرار کنم وقتی یه دختر خوشگل دارم که همیشه منتظرمه حالا چرا پست نگهبانی دم پنجره تو ول کردی؟ دسته نایلونو ازش گرفتم و گفتم مامان بزرگ همش بهم غر میزنه روسری سر کن چقدر دم پنجره میری همش غر میزنه . مادرم اخمی کرد و گفت زشته درباره مادربزرگت درست صحبت کن، حق داره تو دیگه بزرگ شدی ببین داری میری مدرسه راهنمایی دیگه یه دختر کوچولو نیستی باید دیگه مواظب خیلی چیزا باشی. نایلون رو زمین گذاشتم پر بود از کتاب و دفتر با خوشحالی جیغی کشیدم و یکدفعه نایلون و سرو ته کردم و همش رو ریختم وسط اتاق ، مادرم خندید و گفت اینم از کتابهای سال اول راهنمایی ، دیگه از امسال کتابیات و باید از فروشگاههای مخصوص بگیریم این دفتر و قلم ها رو هم فروشگاه خودمون آورده بود یه جند تایی خریدم تا ببینیم بعدا چی لازم داری. حالا هم پاشو یه چای مخصوص برام بریز یه کم استراحت کنم بعد کتاباتو با هم جلد کنیم. با خوشحالی کنار سماور رفتم و لیوان دسته دار بزرگی که مخصوص مادرم بود رو برداشتم و براش چای ریختم ، هنوز ذوق کتابای درسی رو داشتم تعداد کتابا خیلی بیشتر از کتابای ابتدایی بود، همونجور که داشتم یکی یکی کتابها رو برانداز میکردم مادرم دست به کیفش برد و گفت امروز کیفمو بازرسی نکردی آگه گفتم سورپرایز بعدی چیه؟ با خوشحالی دستامو به هم کوبیدم و گفتم کباب حتما کباب آوردی مادرم خندید گفت ای شکمو نخیر کباب نیاوردم امروز نهارمون

قیمه بود هر وقت کباب باشه برات میارم، مادر بزرگم دوباره اخم کرد و گفت عادتش نده چرا سهم غذاتو میاری خودت از صبح سرپایی مگه تو خونه گوشت پیدا نمیشه براش درست میکنم نهارتو نیار خونه بعدم یه چشم غره بهم رفت، آخه از اونجایی که من عاشق کباب کوبیده بودم مادرم هر قوت تو کارخونه نهارشون کباب کوبیده بود اونو یه ظرفی میریخت و برای من میاورد، همیشه هم مامان بزرگم دعواش میکرد که اینکارو نکنه . برای اینکه قضیه فیصله پیدا کنه مادرم گفت حالا چشمتو ببند تا نگفتم هم بازش نکن، دستات رو هم بیار جلو ،چشمامو بستم و بعد از چندثانیه که مادرم گفت چشمتو باز کن تو دستام یه عینک دیدم ایندفعه یه جیغ بلندتر کشیدم، کف دستم یک عینک قرمز خوشگل با شیشه های قهوه ای که یکسری نگین نقره ای درخشان در تا دورش رو گرفته بود میدرخشید ، از جیغ و ذوقی که کردم اشکام سرازیر شده بود، مادرم گفت بفرما اینم عینک دودی که میخواستی ، تا حقوق گرفتم به قولم عمل کردم، حالا راضی شدی؟ بدو بدو خودمو به آینه رسوندم و عینک و به چشمم زدم اما همونجور که به خودم نگاه میکردم عینک و از صورتم برداشتم تو طاقچه کنار آینه گذاشتم و مشغول جمع کردن کتابا از وسط اتاق شدم ، مادرم و مادر بزرگم که متوجه تغییر حال شده بودن با تعجب پرسیدن ، وا چی شد چرا لب و لوجت آویزون شد ، با ناراحتی گفتم من این عینک دودی رو نمیخوام ببر پیش بده، مادرم با ناراحتی گفت خستگی روی تنم موند میدونی چند تا مغازه رفتم تا خوشگلترین عینک و برات بخرم ، اصلاً کدوم یکی از دستات عینک دودی داره، من که کم کم ناراحتیم به گریه تبدیل شده بود گفتم، دوستم هیچکدومشون چشمش مثل من نیست، تازه اصلاً این که عینک دودی نیست هنوز چشمم معلومه. مادرم با کلافگی گفت شیشه اش تاریکتر باشه خطرناکه یه وقت چشمت نمیبینه میافتی دست و پات میشکنه، هنوز جواب مادرمو نداده بودم که زنگ خونه روزدن از پنجره پایین و نگاه کردم، خاله فیروزه بود دوست نزدیک مادرم یه زن مهربون اهل تبریز و حیابی شوخ طبع که هفته ای چند بار به ما سر میزد ، وقتی در رو براش باز کردم جلوی صورتش یه بسته پفک گرفته بود وقتی هیچ عکس العملی ندید یه نگاهی بهم انداخت و گفت باز چی شده عه جرا گریه کردی و دستم و گرفت همینطور که از پله ها بالا میرفتیم گفت هر کی انیبت کرده باشه با من طرفه.

مادرم از جا بلند شدخاله فیروزه خم شد و با

ادامه ی صفحه 22

مبارزه بر علیه تم و تحونت به زن

طراحی سوخته
تقدیم به تمام سپیده های مبارز
شراره رضائی

نشریه سازمان رهائی زن شماره ۱۰۶

که روز آزادی و رهائی ست

اگرچه آنها را در بند می کشند

از بربریت

کشنج و اعترافاتی پوشالی

از ارتجاع

و آنچه مارا نکشد

سپیده صدای همه ماست

قوی ترمان می کند

فریادی ست

از انزجار حجاب

در شعله های خشم اعترافات اجباری

فریادی ست

سپیده هایی که طلوع می کنند

از مقاومت و مبارزه

سپیده هایی که هر روز در خیابان

علیه کلیت حاکمیت

تکثیر می شوند

برای تو و خویش،

#سپیده-قلیان

در سر می پروراند

#سپیده-فراخان

رهائی از اسارت و بندگی را

سپیده ها فراوانند

و فریادی

ما را از سر بریده ترسانید

که صدای تمام زنان و آزادی خواهان است

ما تمام شدنی نیستم

شجاعی ستودنی

ما تکثیر می شویم!

و صداقتی

و فریادی که خاموش نخواهد شد



طراحی سوخته،

سرشار از سخنان ناکفته است؛

از باورهای نداشته،

اعتراف زیر کشنج

و فریاد آزادی که بر زبان نیامده

زبان اعتراف می کند

و حقیقتی که در چشمانش نهفته است.

حقیقت تو

و من.

برای تو و خویش

روز رهائی را در سر می پروراند

سبزینه های نسل دهه پنجاه!

حامد شفاعتی



من، زیرتعریفی هستم با عنوان "دهه پنجاهی ها!"

روزهای نمو ما روزگار پر محنتی بود. یکی بر ما تئین خفته می کرد و دیگری نفرت از همه را بر ایمان کادوپیچ می کرد. می دانم اگر ندیده باشید قطعاً شنیده اید که "یه جوری بگید مرگ بر آمریکا که صداتون برسه به کاخ سفید!" و ما نوباوگان خندان بی دغدغه چنان فریاد می زدیم و مرگ را شلیک می

کردیم تا آقای محمدپور، ناظم همیشه خشمگین مقداری از خشمش کاسته شود. می دانم اگر ندیده اید شنیده اید که در دهه شصت ناسزا گفتن به نهله های فکری یا سیاسی مقابل حکومت یک فضیلت بود و من و هم نسلان من در این فضیلت یاد گرفتیم ناسزا گویی همیشه هم بد نیست. به واژه های حکومت ساخته مزین به فقه مجهز شدیم و رفتیم به نبرد با هر کس که با "او" زاویه نظر داشت! من در ده سالگی چیزی از روابط جنسی نمی دانستم ولی آقای هاشمی ما را توجیه کرد که "همجنس باز" یعنی چه!! (همجنس گرا لغت درست است).

در همان دوران حیوانات را دوست داشتم اما همان آقای هاشمی یک کینه کادو پیچ شده را به من هدیه داد به نام "سگ باز" و توضیح داد چون فلانی در هزار و سگ سال پیش از سگ خوشش نمی آمده پس ما هم از سگ متفریم و هر کس از سگ خانگی نگهداری کند "سگ باز" است!! وقتی به راهنمایی رفتیم سر راه مدرسه دختران همسایه را می دیدیم که عصرها با ما والیبالی بازی می کنند اما ظهرها از ما رو می گیرند مبدا به گناه بیوقفتند. مبدا ما و بقیه به آنها بگویند؛ "خراب".

می دانم تعجب نمی کنید اگر برایتان بگویم اگر بر خلاف باوران جانوران فکر می کردیم گناهکار بودیم و به تعبیر اوباش دلداده به هزار و سگ سال پیش بر ما روا بود آنچه بر یزید روا! امروز خاطراتمان سر فصل عبارت پردازی های روبرویمان شده است. بله، کمی پا به سن گذاشته ایم و انگار پوستمان کلفت شده است. اما نسل پیش رویمان چه؟! آنها که باورشان ابتدای بیشتری بر استقرا دارد به مفاهیمی مثل معصیت و گناه می خندد. آنها دو دوتایشان را ماشین منطق شان حساب می کند نه آقای هاشمی شان! و آنچنان که نگارنده اعتقاد دارد دوی تمام این گسست های بنیانی همان طفلی است که گم شده. طفلی به نام "شادی"!! با تولد شادی کینه و گناه و عذاب وجدان فقهتی کم زور شده، می میرد. در "شادی"، مردمانی که از نسل من باقی مانده اند در سرزمین دو دوتا چارتای ماشین منطق آرامتر نفس می کشند و شاید درد حنجره و صدای گرفته شان را در بیهودگی فریادهای بی سرانجام مرده باد فراموش کنند! شادی آن نفس روح زای گمشده جامعه ماست..

قانونی بودن سقط جنین یک ضرورت است!



اقدام مشترک
تشکل های مستقل زنان
Collective Action of Indep.
Iranian Women Org

ما، گروه‌ها و سازمان‌های زنان مستقل ایرانی در دیاسپورا، به طور جمعی، تصمیم تکان‌دهنده و خطرناک دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا برای لغو قانونی با سابقه تقریباً ۵۰ ساله، که از حق انتخاب زنان در مورد بارداری و آزادی سقط جنین محافظت می کرد، را محکوم می‌کنیم. ما معتقدیم این تصمیم نه تنها یک عقبگرد شدید حقوق بشری زنان است، بلکه سلامت و زندگی زنان را نیز به خطر می‌اندازد.

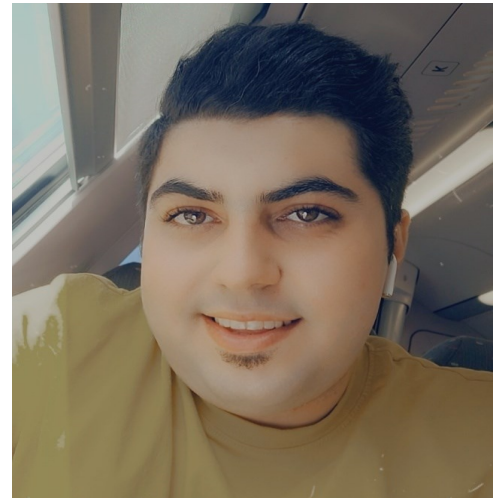
حتی قبل از لغو قانون آزادی سقط جنین، ایالات متحده بالاترین میزان مرگ و میر مادران را در بین کشورهای توسعه یافته داشته است. تحقیقات سال 2020، به ناکافی بودن ارائه مراقبت‌های زایمانی و مراقبت‌های بهداشتی باروری اشاره می‌کند که با لغو قانون آزادی سقط جنین، این خدمات به مراتب آسیب پذیرتر میشود.

اما هرگاه که زنان سازماندهی می‌کنند، وقتی زنانای خود را به صندوقها میریزند و رای می‌دهند، زنان پیروز می‌شوند. پیروزی بزرگ در ایالت کانزاس برای قانونی نگه داشتن سقط جنین بارقه امیدی برای جنبش بود. زنان ایرانی در دیاسپورا کشوری را پشت سر گذاشتند که در آن حقوق بشر زنان از جمله حقوق باروری و سقط جنین به شدت محدود شده است. در بیانیه مطبوعاتی مورخ 16 نوامبر 2021، کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل از ایران خواستند که «قانون جدید گسترده‌ای را که دسترسی به سقط جنین، پیشگیری از بارداری، خدمات عقیم‌سازی داوطلبانه و اطلاعات مربوطه را به شدت محدود می‌کند، لغو کند، که این نقض مستقیم قانون بین‌المللی حقوق بشر زنان است.»

ما معتقدیم که حق یک زن در ایران و ایالات متحده برای تصمیم‌گیری مستقل در مورد بدن خود و فرزندآوری، هسته اصلی حق پایه ای او برای برابری و حفظ حریم خصوصی در مورد مسائل خصوصی، و حفظ سلامت جسمی و روانی است

ما مصمم هستیم که حق انتخاب سقط جنین زنان را در ایالات متحده و در سرزمین مادری خود مطالبه کنیم. ما با جنبش حقوق بشر زنان همبسته و خواهر خوانده ایم، زیرا تنها به صورت جمعی می‌توانیم تغییر را ممکن سازیم..

زاینده رود و اتفاقات آن (پیامدهای محیط زیستی و فرونشست زمین) امیرحسین باریک رو



رودخانه زاینده رود یکی از مهم‌ترین رودخانه‌های ایران است که شهر اصفهان را به دو نیمه شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. پل‌های متعددی از دیرباز تا به امروز روی این رودخانه ساخته شده‌اند؛ پل‌هایی که از مهم‌ترین جاهای دیدنی اصفهان به شمار می‌آیند و نشاط و طراوتی مثال‌زدنی را برای این شهر به ارمغان آورده‌اند. بگونه‌ای که می‌توان اذعان نمود که از دیرباز زاینده رود؛ مایع زندگی بخشی بوده که در رگ‌های اصفهان در جریان است. با اینحال زاینده رود در سالهای اخیر با بحرانهای متعددی همراه بوده است. بر اساس آمار مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی در سال ۱۴۰۰ میزان فرونشست زمین در اصفهان به ۱۸ سانتی متر در سال رسیده است همچنین حدود ۱۰ هزار کیلومترمربع یعنی ۱۰ درصد از مساحت اصفهان، در شرایط خطرناک فرونشست قرار گرفته است؛ این آمار حاکی از اهمیت بررسی علل و راهکارهای این معضل زیست محیطی است.

فرونشست زمین بر اثر برداشت بی‌رویه آب از آبخوان‌ها و منابع آب زیرزمینی اتفاق می‌افتد، ایران در میان کشورهای بحران زده رتبه چهارم را داشته و اصفهان با حدود ۳۱۱ تا ۵۱۲ میلیون متر مکعب متوسط برداشت سالانه و ۴ و نیم میلیارد متر مکعب ذخیره آبخوان در رتبه چهارم از لحاظ کسری مخزن آب می‌باشد. از ۳۵ دشت استان اصفهان هشت دشت آزاد است، دشتهایی مانند چوپانان و بیاضه‌آبی ندارند و ۱۷ دشت ممنوعه و ۱۰ دشت دیگر نیز ممنوعه بحرانی است. با اشاره به اینکه در حوضه زاینده رود از دشت نجف‌آباد، فلاورجان، دشت اصفهان برخوار و دشت کوهپایه و سگزی تراکم

چاه‌های آب وجود دارد: تراکم چاه‌های حفر شده در دشت نجف‌آباد بسیار زیاد است درحالی‌که ضخامت آبرفت در این دشت تا ۱۵۰ متر، در دشت اصفهان -برخوار تا ۲۹۰ متر و کوهپایه -سگزی حتی تا ۳۵۰ متر است، از سوی دیگر توده متخلخل خوبی وجود دارد که با توجه به چاه زیادی که حفر شده و سطح آبخوان در این مناطق فرونشست اتفاق می‌افتد. همچنین سطح آب زیرزمینی در آبخوان نجف‌آباد بین ۷۰ تا ۸۰ متر و در برخی نقاط آن تا ۱۰۰ متر کاهش یافته است؛ تراکم چاه‌های حفر شده در دشت دامنه -داران نیز زیاد است و افت سطح آب زیرزمینی در برخی نقاط این دشت دامنه تا ۷۰ متر است.

علل فرونشست زاینده رود: پژوهش‌های جهانی نشان می‌دهد که ۷۷ درصد علل فرونشست زمین، عامل انسانی دارد و ۲۳ درصد دلایل زمین‌زاد است یعنی به فعالیت‌های زمین‌شناسی یا تکتونیکی زمین برمی‌گردد. در حوضه زاینده رود میزان بارندگی کاهش و الگوی بارش تغییر یافته است، دمای متوسط در فصول سرد افزایش و میزان تبخیر بالا رفته است، و از سوی دیگر شاهد افزایش جمعیت و کاهش سرانه آب تجدیدپذیر نیز هستیم که از جمله مهم‌ترین علل فرونشست در منطقه هستند. بخش عظیمی از رودخانه زاینده رود در مسیر خشک شده است و کاهش شدید ذخیره مخازن آب سطحی در سد زاینده رود رخ داده است که از تبعات نبود تعادل بین منابع و مصارف است؛ فعالیت‌های مهندسی که حساب شده یا حساب نشده تاکنون انجام شده، توسعه کشاورزی، موضوع خودکفایی و نبود توجه به آب مجازی و آمایش سرزمینی، ساختار نامناسب حکمرانی و مشکلات قانونی، از عوامل نبود تعادل بین منابع و مصارف بوده‌اند. اگر پیش‌تر در حوزه محیط زیست و کشاورزی برای تأمین آب مشکل وجود داشت، اکنون در حوزه شرب می‌باشد و حالا در کنار همه این تبعات، فرونشست زمین و پیامدهای آن است که در عمده دشت‌های حوضه زاینده رود گزارش شده است. در مناطقی که بیشترین میزان افت سطح آب زیرزمینی وجود دارد بیشترین میزان فرونشست اتفاق می‌افتد، بگونه‌ای که میزان فرونشست در دشت نکوآباد زیر حوضه آبریز زاینده‌رود ۶۷ میلی‌متر در سال بوده است. اگر خاک نشست کرد دیگر قابل جبران نیست و اگر آبخوان مسدود شد دیگر تغذیه نمی‌شود خطر وجود دارد و فرصت کم است؛ پل خواجه، سی و سه پل و میدان نقش جهان همه درگیراند و خشکی زاینده رود شدت فرونشست را بیشتر کرده است.

پیامدها: کاهش آبدی چاه‌ها و کیفیت منابع آب زیرزمینی، تنش‌های درون استانی و بالادست حوضه، بروز مشکلات زیست محیطی و آثار بر سلامت و بهداشت عمومی از پیامدهای نبود تعادل بین منابع و مصارف است و فرونشست است. فرونشست علاوه بر پیامدهای زمین‌شناسی، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی نیز دارد چراکه بخش عظیمی از مردم، محل سکونت و کشت و کار خود را از دست می‌دهند و دچار فقر شده و به حاشیه نشینی در شهرهای دیگر روی می‌آورند.

راهکارها: یکی از راهکارها قطع برداشت از چاه‌های غیرمجاز و عدم صدور مجوز برای حفر چاه‌های اضافه است؛ برای احیای آبخوان‌ها باید برنامه ریزی منظم صورت گیرد چراکه این کار بسیار زمان‌بر، هزینه‌بر و مشکل است. باتوجه به اینکه چالش اصلی نبود تعادل بین منابع و مصارف است، باید تعادل شکل بگیرد، مصارف را کاهش داده یا منابع را افزایش داد. جریان‌ات سطحی و زیرسطحی ارتباط مشخص و واضحی با فرونشست زمین دارند؛ زاینده رود باید احیا و پایدار شود همانطور که خدا آن را آفریده و باید به قوانین حاکم بر طبیعت احترام گذاشت و زاینده رود را به شکل اول بازگرداند. چراکه راهکار اصلی کنترل فرونشست اصفهان جریان زاینده رود است. استفاده از پساب فاضلاب شهری با توجه به تعداد تصفیه‌خانه‌ای که در شهر اصفهان وجود دارد، می‌تواند یکی از راهکارها برای تغذیه آبخوان‌ها باشد و باید سیاست‌گذاری‌ها به گونه‌ای باشد که پساب آب شرب در حوضه زاینده رود به آبخوان باز گردد. همچنین الگوی کشت باید رعایت شود و به پلیس آب نیاز است، در زمینه انتقال آب نیز، مشکل استان اصفهان با ۸۰۰ تا یک میلیارد متر مکعب آب حل می‌شود، و انتقال آب بین حوضه‌ای می‌تواند کمک کننده باشد. بطورکلی می‌توان اذعان نمود که اصفهان کلانشهری است که حیاتش وابسته به جریان دائمی آب زاینده رود است؛ جریان زاینده رود آبخوان‌ها را تغذیه کرده و از فرونشست جلوگیری می‌کند. /

ما تیتیر خبرهای فردا صبح هستیم
بهاره شرفی



و باز با سماجت، انسان می‌کاریم، می‌کشیم و می‌میریم.
ما تیتیر خبرهای فردا صبح هستیم. همه ما مرده ایم.

جهان خیلی وقت است که دیگر بزرگ نیست.
ما نزدیک به نه میلیارد شده ایم و توی هم دیگر لول می‌خوریم.
اما همدیگر را نمی‌بینیم و همدیگر را گم می‌کنیم.
جنون هیتلرهای نهفته از میز کوچک یک اداره فکسنی لابه لای قوانین بی مایه و غیر انسانی
زده است بیرون و جهان آنها را موجه جلوه می‌دهد.
قوانین ضد انسانی که آدمی را از حصار امیدواری به ناچاری کشانده است.
به کجای این جهان خوش بین باشیم وقتی اسلحه‌ها با نظم و برنامه تولید می‌شوند. در
کاورهای تمیز پیچیده می‌شوند و با گلوله‌های سربی مانند شکلات در ورق‌های طلایی برای
جشنواره انفجار و خون کادوپیچ می‌شوند و در میدان‌های زور و جنگ روی آدم‌هایی از
جنس تن اسلحه فروشان شلیک می‌شوند.
آدم‌هایی با گوشت و استخوان و چشم و لب‌هایی که در حافظه خود لخبند دارند.
فاشیسم در دل دموکراسی‌های پوپولیستی پشت میزهای گران قیمت می‌تشیند.
از خط معوج مرزها عبور می‌کند و انسان‌های کشت شده را برداشت می‌کند تا باز هر جا که
دلش خواست انسان بکارد برای اسلحه‌های جدید تر
تا ما نفهمیم ما یک نفر را با اسلحه‌های جدیدمان می‌کشیم تا یک نفر دیگر را به دنیا بیاوریم.
بعد اگر نمردیم به خانه برمی‌گردیم و می‌دانیم آنهایی که مُردند هرگز به خانه بر نمی‌گردند.
و هر دوی آنها ما هستیم.
مایه‌ی که می‌کشیم و مایه‌ی که می‌میریم. گاهی با اسلحه و گاهی با اندیشه‌هایمان...

In the first step, I would like to tell the women of Afghanistan that you are extremely praiseworthy despite all the terrible actions that the Taliban regime has taken against you. It is commendable that you are bravely standing up to them and demanding your rights.

جهان در های خود را به ... ادامه صفحه 13

Secondly, I want to tell you that we, the religion of the world, are completely horrified that how a regime can come to work like the Taliban has a wrong view of human rights, especially women's rights. As I mentioned in my speech, we did not even think that the political situation was going to be so dangerous. But now the situation has become very terrible and unbearable and we in Sweden naturally do everything we can to save the human rights of the Afghan people, so that we can move against the wishes of the Taliban regime. The oppression of women in Afghanistan is unbearable.

Tony Haddou, a member of the Left Party in Parliament and also a spokesperson for the Left Party's immigration policies.



من تونی هاددو نماینده حزب چپ در پارلمان سوئدن و همچنان سخنگوی سیاست های مهاجرتی حزب چپ هستم من می‌خواهم حمایت از طرف حزب مان در پارلمان سوئدن از زنان در افغانستان را اعلام کنم و بگویم. حزب ما هر روز برای حقوق شما تلاش می‌کند تا شما به امنیت برسید. می‌خواهم بگویم که سوئدن برای حقوق شما سخت تلاش می‌کند تا قدرت را از طالبان بگیرد و شما زنان خودتان قدرت را بدست بگیرید و برای خود و حقوقتان تصمیم گیر باشید. ما برای برابری تلاش می‌کنیم و همچنان می‌خواهم بگویم هر ما حامی تمام انسان‌هایی هستیم که دست به مهاجرت می‌زنند. ما همیشه با شمایم. تشکر

I am Tony Haddou, a member of the Left Party in Parliament and also a spokesperson for the Left Party's immigration policies.

I want to announce and say the support of our party in the Swedish parliament for women in Afghanistan. Our party works every day for your rights so that you can reach security. I want to say that Sweden is working hard for your rights to take power from the Taliban, and I doubt that you women will take power and decide for yourself and your rights. We strive for equality and I still want to say that we are all supporters of all people who want to migrate. We are always with you.

پیرامون سفر رئیس‌ی به نیویورک ... ادامه صفحه 11 معترضان در مقابل محل برگزاری این نشست در مقابل ساختمان سازمان ملل و همچنین در شهرهای خود، به جهان نشان دهیم جمهوری اسلامی بی مه‌بای همواره سعی کرده تبعیض را، تحت عنوان اخلاق گرایی، دین و ایدئولوژی توجیه، و از این طریق قدرت خود را بیشتر و جایگاه خود را مستحکم کرده است. این تبعیض به رغم نقض قوانین انسانی بین المللی، در قوانینش ثبت شده. در ایران و بسیاری از کشورهای جهان، قانون ها، سیاست ها، سنت ها و باورهای نهادینه شده که مانع از دسترسی زنان و کودکان دختر به حقوق شان می شود.

در ایران تحت حاکمیت ارتجاع اسلامی، موقعیت زنان هر روز بنا به اقتصادی، اسفناکتر میشود. با نهادینه نمودن قوانین پوسیده ضد زن بیشترین تبعیض جنسیتی و طبقاتی بر زنان اعمال شده و از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آنها را در موقعیت درجه دوم قرار داده‌اند. بازگرداندن زنان به کنج خانه و محروم ساختن آنها از اشتغال، وابسته کردن هرچه بیشتر آن ها از نظر اقتصادی به مردان، عدم حق انتخاب پوشش، حق انتخاب تولید مثل و فرزندآوری، عدم اجازه تماشای مسابقات ورزشی، محدودیت در اجرای موسیقی و انتخاب رشته های تحصیلی، وراثت، حق نگهداری فرزند، تبعیض اجتماعی، فرهنگی خشونت و سرکوب روز افزون بر آن ها، نهادینه شدن کنترل مردان بر زندگی زنان، رواج وسیع کودک همسری و تن فروشی زنان، مردسالاری، نابرابری فزاینده ای را بر زندگی زنان حاکم نموده است امکانات استخدامی زنان در اغلب رشته های صنعتی به خصوص صنایع بزرگ و خدماتی بسیار محدود شده است و از همین روست که بنا بر آمارهای دولتی نرخ بیکاری زنان چندین برابر مردان است. اما با تمام این تبعیضات، اجحافات ظلم و بی عدالتی در مورد زنان تاکنون اعمال شده است، آنها ساکت ننشسته اند و به مبارزه بر علیه این نابرابری ها پرداخته اند و به طور مستمر شاهد مبارزات و اعتراضات گسترده مداوم و رو به رشد زنان هستیم.

مینو همتی: در پایان اگر سخنی با بینندگان رهائی زن دارید بفرمائید.

پروانه عظیمی: سران جمهوری اسلامی از جمله رئیس‌ی، رئیس جمهور غیر منتخب مردم ایران، به نیرو و پتانسیل زنان به عنوان جنبشی بسیار مهم از همان آغاز پی برده و به درستی فهمیده اند که با تمام سرکوب ها نمی توانند، این نیروی عظیم را نادیده بگیرند. زنان در اعتراضات بر علیه نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و سیاست های تبعیض آمیز علیه زنان بیش از پیش به این ضرورت مهر تایید زده و بر علیه ستم و تبعیض جنسیتی و طبقاتی تا رسیدن به پیروزی خاموش نخواهد نشست.

داستان عینک ... ادامه صفحه 17

مادر بزرگم روبوسی کرد و بدش مادرمو بغل کرد شروع به خوش و بش و شوخی کردن و یکدفعه خاله فیروزه انگار چیزی یادش افتاده باشه یه چشمکی به مادرم زد و گفت خوب حالا بگید ببینم کی دخترکمونو اذیت کرده مادرم با ناراحتی گفت خالشت تو بگو این عینک زشته ، خاله فیروزه یه نگاهی به عینک کردو چند باری اونو بالا پایین کرد و گفت به به چه رنگ قشنگی چه رنگینای خوشگلی ، نسرين جان تو که خوش سلیقه بودی تو به این میگی زشت، من که لجم گرفته بود گفتم اصلا هیچکس نمیفهمه من جي میگم با این چشم معلومه من عینک سیاه میخوام و دوباره شروع به گریه کرد. خاله فیروزه که تازه داشت اصل ماجرا رو میفهمید یه آهان کشداری گفت و نشست. و به پشتی تکیه داد، همونجور که چشماشو ریز کرده بود مثل موقع هایی که داره همفکری میکنه یا میخواد یه چیزی رو به یاد بیاره دست تو کیفش کرد و یه قوطی درآورد و دکمش و باز کرد و از توی اون یه عینک درآورد و همونطور که اونو به مادرم نشون میداد گفت فکر کنم نسرين منظورش از این مدل عینکهاست. همه نگاهها به دست خاله فیروزه بود که من با یه جهش ناگهانی وسط پریدم و مثل کیف قاپای حرفه ای عینک و رو هوا از دست خاله فیروزه دآوردم، دست خاله فیروزه رو هوا مونده بود و دهن مادر و مادر بزرگم باز، که من عینکو به چشمم زدم و با یه جهش دیگه خودمو به لب طاقچه رسوندم تا خودمو تو آینه ببینم، لبخند رضایت به لبهام

نشست و گفتم من هیوو میخوام ببین من همینو میخوام و رو کردم به سه تاشون و رفتم سمت خاله فیروزه که پام به سینی چای وسط اتاق گیر کرد و افتادم وسط سینی از سوزش داغی چای روی بدنم جیغ بلندی کشیدم. خاله فیروزه دستی که رو هوا مونده بود رو زیر چونه اش گذاشته بود و به من نگاه میکرد. مادر برگم داشت مرتب الله اکبر میگفت، مادرم هم که منتظر همچین اتفاقی بود گفت بفرما حالا فکر کن این عینک و تو خیابون بزنه مطمئن باش هر روز تو جوی آب میوفته و حتی ماشینا رو هم نمیبینه، خاله فیروزه بلاخره سکوتش رو شکست و گفت نه زینب اینقدر ا هم تاریک نیست بیشتر از ذوقش پاش گیر کرد اما مساله اساس اینه این عینک منه و هم برای صورتت بزرگه و هم ممکنه جسامتو ضعیف کنه چون خیلی تاریکه، منم به خاطر اینکه چشمم به نو حساسه اینقدر سیاه انتخاب کردم، به سمت خاله فیروزه رفتم و کنارش نشستم و در مظلوم ترین حال ممکن گفتم همیشه به جای پفک اینو بهم بدی تازه من این عینک قرمز رو هم بهت میدم فقط تو رو خدا اینو بده به من قول میدم مواظب باشم، ببین بیرون همه مسخرم میکنن همش منو با دست بهم نشون میدن و میگن چشم دختریو ببین خوب اگر اینو بزنم دیگه نمیفهمن من چه شکلیم، با یادآوری خاطراتم باز گریه گرفتم ، اینبار خاله فیروزه بغلم کرد و گفت میدونی که تو رو اندازه فرنازم دوست دارم الانم گریه نکن اگر مادرت راضی باشه من حرفی ندارم، به نگاه به مادرم انداختم همونطور با گریه گفتم

مادرم. پماد رو به دستامو و سینه ام مالید و پیشونیمو بوسید و گفت یادت باشه تو همه کارای خدا یه حکمتی هست، با ناراحتی پماد و ازش گرفتم که بزارم یخچال وقتی از اتاق خارج میشدم گفتم، چرا همه ی اتفاقای بد و مریضی حکمته اونم برای من، من حکمت خدا رو نمیخوام. و زود از اتاق خارج شدم صدای زمزمه خاله فیروزه رو لجا مادرم میشنیدم، که میگفت چیکارش داری الان اون تو این شرایط حکمت میفهمه ولش کن بچه رو دو رو عینک و میزنه بعدم میزارتش کنار ، مدرسه ها باز بشه سرش گرم درس و مدرسه میشه.

اما قسمت جالب ماجرا این بود داستان عینک سیاه من از اینجا شروع شد نه تنها کنارش نداشتم اون عینک سیاه ساده ۱۲ سال روی چشمهای من موندگار شد و یه عالمه ماجرا رو به دوش کشید.



درنگی بر چرایی سقوط به سیاهی

۱۵ آگوست، یکسالگی سقوط حکومت فاسد و نامشروع "اشرف غنی" در افغانستان نیست. فراتر از آن است و ویران کننده تر. اگر بحث سقوط حکومت فاسد اشرف غنی باشد، واقعیت این است که اشرف غنی از همان ابتدا، پایه‌های مشروعیت مردمی‌اش می‌لنگید. درد فقدان مشروعیت تا روز آخر برای "غنی" استخوان‌سوز بود. حکومت‌داری او چنان غرق در فساد و غارت‌داری عامه بود که از نگاه مشروعیت اخلاقی به معنای واقعی کلمه نزد افکار عمومی سقوط کرده بود. سیاست‌ورزی اشرف غنی، خودکامگی رسوا و فاقد حداقل الزام‌های اخلاقی را به همراه داشت. برخورداری که همه دار و ندار افغانستان را قربانی سلطه تباری کرده و همین حکومت غنی چند سال پیش‌تر از ۱۵ آگوست ۲۰۲۱ دچار فروپاشی و سقوط اقتدار شده بود.

۱۵ آگوست، نباید یکسالگی سقوط جمهوری در افغانستان معنا شود. چون واقعیت امر این است که ارزش‌های اساسی و بنیادین نظام جمهوری در انتخابات ۲۰۱۴ نقض شد و قالب تهی کرد. جمهوری پس از رسوایی در انتخابات ۲۰۱۴ در افغانستان یک اسم بی‌مسما بیش نبود. نظام جمهوری منهای الزامیت رأی و اراده سیاسی مردم، معنا ندارد. نظام جمهوری منهای حاکمیت قانون و همین‌گونه منهای پاسخگویی به مردم، نمی‌تواند چیزی غیر از یک پوشه خالی باشد. حاکمیت قانون و اصل پاسخگویی دولت و حکومت به مردم همانند مشروعیت انتخابی، از ۲۰۱۴ به بعد در افغانستان رسماً تعطیل شده بود. قانون اساسی یک جوک بی‌مزه بود و سلیقه سکان‌دار قدرت. نباید مردم و شهروندان افغانستان فراموش کنند که ارزش‌های نظام جمهوری چنان قربانی سلیقه و خودکامگی بود که در سال‌های اخیر،

اصطلاح "جمهوریت سه نفره" به عنوان نام دیگر حکومت فاسد اشرف غنی در افکار عمومی جا افتاده بود. برای همین جمهوری نیز قبل از ۱۵ آگوست قالب تهی کرده بود. ۱۵ آگوست، یکسالگی سقوط یک سرزمین با بیش از ۳۰ میلیون انسان‌اش در کام یک گروه تروریستی است. گروهی که با تمام ارزش‌های حقوق بشری سر دشمنی دارد. اما درد بزرگ این است که همین گروه تروریستی به پشتوانه تعامل سیاسی استخباراتی با دولت آمریکا و متحدین غربی آمریکا بر افغانستان حاکم شده و این کشور را به کام نابودی و ویرانی سقوط داده‌اند. این یکسالگی را اگر از منظر مردم افغانستان و آنچه بر سرنوشت‌شان آمده است ببینیم، ۱۵ آگوست، پیش از هر امر دیگر، یکسالگی خیانت دولت آمریکا به مردم افغانستان است. ۱۵ آگوست، پیامد و برآیند پشت کردن دولت‌های اروپایی به تعهدات الزامی و اخلاقی‌شان در قبال ارزش‌های حقوق بشری است. مبارزه با تروریسم و حمایت از حقوق بشر، شعارهای اصلی بودند که در بیست‌سال حضور نظامی سیاسی دولت‌های اروپایی در افغانستان را در افکار عمومی مردم اروپا توجیه می‌کرد. اما در پایان این حضور بیست‌ساله، دولت‌های اروپایی به سبب خیانت دولت آمریکا به مردم افغانستان، تمام تعهدات‌شان به کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط به حقوق بشر پشت کردند و افغانستان را یکبار دیگر به کام یک گروه تروریستی سقوط دادند. درد بزرگ‌تر این‌که اکثریت قدرت‌های اروپایی در هماهنگی با آمریکا، این یکسال سیاه که مردم افغانستان همچون قربانیان بی‌دفاع، اسیر یک گروه تروریستی شده‌اند، پیش از آن‌که به نگرانی‌های حقوق بشری در این کشور رسیدگی کنند، در پی سفیدکاری و باج‌دهی به طالبان‌اند. چکی سفید برای اعمال قدرت لجام گسیخته علیه مردم افغانستان. ارسال صدها میلیون دلار پول نقد، زیر نام کمک‌های بشردوستانه به هدف تحکیم حاکمیت یک گروه تروریستی و زمینه‌سازی سفر و مانورهای دیپلماتیک برای سران یک گروه تروریستی در اروپا و کشورهای منطقه، همه از نمونه‌های باج‌دهی و سفیدکاری طالبان توسط آمریکا و قدرت‌های مطرح اروپایی در یکسال اخیر بوده است. ۱۵ آگوست از منظر مردم افغانستان، یادآور یک روز شوم و سیاه است. یادآوری روزی که افغانستان با تمام دار و ندارش به کام وحشت و ویرانی سقوط کرد. به کام وحشتی که همچنان جریان دارد و جهانیان تماشاچیان انسان‌کشی، شکنجه، خشونت، تجاوز، کوچ

اجباری و گونه‌های دیگر از جنایت‌های این وحشت حاکم شده بر افغانستان‌اند. بیست‌سال پیش آمریکا و متحدین غربی‌اش در سازمان نظامی ناتو، به هدف مبارزه علیه تروریسم وارد افغانستان شدند. بازسازی، ایجاد نظام سیاسی مردم سالار، حمایت از ارزش‌های حقوق بشر و توسعه بشری از مواردی بود که به عنوان مأموریت‌های دوم آمریکا و کشورهای غربی در افغانستان تعریف شده بود. از همین رو ۲۰ سال گذشته برای افغانستان یک فرصت طلایی برای عبور از جنگ و بحران به امنیت، صلح، ثبات و توسعه بود. در این فرصت اتفاق‌های بسیار مهم و ارزشمند در افغانستان رخ داد. برای اولین بار در تاریخ سیاسی این کشور قانون اساسی تدوین و نافذ شد که حق رأی را برای شهروندان افغانستان به رسمیت شناخت. مشارکت سیاسی را یک اصل تعریف کرد و فعالیت احزاب سیاسی و رسانه‌های آزاد را محترم شمرد. رعایت و احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر در متن قانون اساسی جدید درج و اذعان شد. اما فقدان تعهد جدی آمریکا و متحدین غربی‌اش به آنچه مأموریت‌شان تعریف می‌شد، سبب شد که در پایان کار همه فرصت‌ها و دست‌آوردهای بیست‌ساله افغانستان را قربانی یک تعامل استخباراتی با گروه تروریستی طالبان کنند. حاکمیت دوباره طالبان بر افغانستان یکساله شد. در این مدت افغانستان چیزی جز استبداد، خشونت، وحشت جمعی و فقر و فلاکت تجربه نکرده است. اما دشمنی و رویکرد ظالمانه طالبان در قبال زنان چنان ویرانگر بوده که فقط زنان افغانستان به عنوان قربانیان اصلی جنایت طالبانی آن را درک می‌توانند. چون زنان در این یکسال نه تنها مورد حذف مطلق اجتماعی و سیاسی قرار گرفته‌اند که به‌صورت فاجعه‌بار مورد شکنجه، قتل و تجاوز با ساحت عزت و کرامت انسانی‌شان نیز قرار گرفته‌اند. حالا درد محرومیت از حق تحصیل، محرومیت از حق کار، محرومیت از حق سفر، حق حضور اجتماعی و سیاسی بماند به‌جای خودش. با تمام خشونت و رفتار وحشیانه طالبان، زنان تنها نیروهای مبارزه مدنی علیه گروه تروریستی طالبان در جاده‌های کابل و چندین ولایت دیگر بوده‌اند. حضور اعتراضی که به هیچ عنوان برای زنان ساده نبوده، بلکه سنگین‌ترین قربانی‌های ممکن را از زنان گرفته است. سرکوب خیابانی، شکنجه، بی‌حرمتی و قتل، توان و بهای کمر شکن مبارزه مدنی برای زنان بوده است. در تمام

این یکسال سیاه، نه گروه تروریستی طالبان دست از دشمنی و حذف زنان برداشت و نه زنان آگاه افغانستان از مقاومت و مبارزه مدنی علیه طالبان منصرف شدند. آن هم در روزگاری که همه احزاب و جریان‌های سیاسی که در بیست‌سال گذشته تمام فرصت‌ها و امکان‌ها را در اختیار داشتند به یکبارگی، انگار نوب شدند و به زمین رفتند. در یکسال گذشته، مبارزه مدنی زنان علیه طالبان محدود به خیابان‌های داخل کشور نماند. زنان افغانستان در سراسر جهان علیه گروه تروریستی طالبان صدای اعتراض بلند کرده‌اند. از جامعه جهانی خواسته‌اند یک گروه تروریستی را به عنوان دولت مشروع افغانستان به رسمیت نشناسند.

رسانه نیمرخ در یکسال گذشته را همزمان که دست‌خوش فاجعه سقوط و آوارگی ناخواسته بود، همواره تلاش کرد صدای اعتراض و فریاد دادخواهانه زنان افغانستان را بازتاب دهد. از حضور ارزشمند و معنادار زنان حمایت کند. رویدادها و جنایت‌هایی که طالبان در حق زنان افغانستان روا داشت را ثبت و از طریق خبر، گزارش و تحلیل‌های روزانه اطلاع‌رسانی کند تا مبادا ظلم و جنایت طالبان علیه زنان در سایه و سیاهی وحشت طالبانی فراموش شود.

از همین روز نیمرخ با درک تمام درد و داغی که زنان افغانستان دچار شده‌اند، به پاس حضور اعتراضی و مبارزه مدنی ارزشمند زنان و به پاس همصدایی با زنانی که در این راه قربانی‌های سنگین پرداخته‌اند، نام و عنوان این ویژه‌نامه را "یک سالگی مبارزه مدنی زنان علیه گروه طالبان" مانده‌است. نیمرخ تلاش کرده‌است در گزارش‌های این ویژه‌نامه، مهم‌ترین رویدادهای زندگی زنان در یک سال سیاه طالبانی را مرور کند. فرمان‌ها و احکامی که این گروه تروریستی برای انکار و حذف زنان بیرون داده‌اند را بازخوانی کند. از شکنجه، قتل و بی‌حرمتی به شخصیت و کرامت انسانی زنان افغانستان توسط طالبان تا آنجا که ممکن باشد پرده بردارد. در مصاحبه‌ها، روایت‌ها و تحلیل‌های این ویژه‌نامه، تلاش شده به کلیت یک فاجعه بزرگ و ویران‌گر پرداخته شود.

فرمان‌های گروه طالبان علیه زنان وش مهربان

کارزار حجاب اجباری طالبان ۱۶ جدی ۱۴۰۰ با نشر پوست‌های تبلیغاتی در جاده‌های شهر کابل آغاز شد. در پوست‌هایی که طالبان توزیع کردند، به سه زبان (فارسی، پشتو و عربی) نوشته بود: «بر اساس حکم شریعت، زن مسلمان باید حجاب را رعایت نماید.»

در این فرمان، طالبان دو نوع پوشش برای زنان تعیین کردند: چادر برقع و حجاب عربی با نقاب سیاه.

رهبر طالبان ۱۷ ثور ۱۴۰۱ فرمان داد: چادری (برقع) بهترین نوع حجاب شرعی است. لباس و چادر سیاه هم حجاب شرعی است اگر تنگ و چسب نباشد. اگر زنی حجاب شرعی را مراعات نکند، باید خانه‌اش شناسایی شود، سرپرست آن زن احضار و سه روز زندانی شود و به محکمه معرفی گردد تا رسماً جزا داده شود.»

۲۹ ثور ۱۴۰۱ مجریان زن در شبکه‌های تلویزیونی با صورت پوشیده ظاهر شدند. سپس رسانه‌ها اعلام کردند که وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان شبکه‌ها را مجبور کرده تا مجریان زن را اخراج کنند و یا با صورت پوشیده با ماسک و حجاب سیاه عربی ظاهر شوند.

۴. لغو نهادها و قوانین حمایت از زنان
گروه طالبان به تاریخ ۲۴ اسد ۱۴۰۰ به کابل رسید، ۲۳ روز بعد به تاریخ ۱۶ سنبله، کابینه سرپرست‌اش را اعلام کرد که در آن وزارت امور زنان وجود نداشت. وزارت امر به معروف و نهی از منکر گروه طالبان به تاریخ ۲۶ سنبله ۱۴۰۰، با ۷۰۰۰ مأمور در ساختمان وزارت امور زنان فعال شد. صادق عاکف مهاجر، سخنگوی این وزارت در ماه سرطان ۱۴۰۱ به روزنامه لوموند

دختران دوره‌های متوسطه و لیسه، به تاریخ ۷ جوزای ۱۴۰۱ گروه طالبان اعلام کردند که یک کمیته به ریاست عبدالحکیم حقانی، رئیس دادگاه عالی طالبان ایجاد شده تا روی برنامه بازگشایی مکاتب دخترانه کار کنند. اما مکاتب دخترانه هنوز بسته‌است.

۲. منع زنان از کار بیرون خانه و مشارکت سیاسی

در دولت جمهوری ۲۸ درصد کارکنان خدمات ملکی دولت را زنان تشکیل می‌دادند. پس از روی کار آمدن گروه طالبان، بدون لایحه و فرمان رسمی زنان از کار در بخش‌های نظامی، خدمات ملکی، هوانوردی، هنر، ورزش و تجارت منع شدند. اما زنان در بخش‌های آموزش و صحت همچنان حضور داشتند.

کمیسیون اصلاحات اداری در کابل، ۱۱۰ کارمند زن را در ماه حمل ۱۴۰۱ و ریاست کار و امور اجتماعی ولایت بلخ ۱۵۰ کارمند زن را که آموزگاران و مدیران مهدودک‌ها بودند در ماه جوزای ۱۴۰۱ به شکل دسته‌جمعی اخراج کردند.

روزنامه گاردین روز دوشنبه، ۲۷ سرطان، گزارش داد که وزارت مالیه طالبان به کارمندان زن در این وزارت دستور داده به جای خود یک مرد از اعضای خانواده‌شان را بفرستند، سخنگویان طالبان این گزارش را تأیید کردند.

۳. حجاب اجباری

وزارت تحصیلات عالی طالبان ۲۰ سنبله ۱۴۰۰ با نصب بنرها در دانشگاه‌های دولتی حجاب عربی با نقاب سیاه را پوشش اجباری برای دانشجویان دختر و شرط بازگشایی دانشگاه‌ها به روی دختران اعلام کرد.

گروه طالبان در طول یکسال گذشته برای کنترل کشور به جای تدوین و تطبیق قوانین، بر فرمان‌های کتبی و شفاهی متوسل شدند که از لحاظ منبع ناهماهنگ، از لحاظ محتوا ضد انسانی، تبعیض‌آمیز و از لحاظ بازخورد اجتماعی باعث گسترش نفرت و تفرقه در جامعه بودند.

نیمرخ به طور نمونه به ۱۲ فرمان این گروه در بخش‌های مختلف اشاره می‌کند که به‌خاطر محدودسازی فعالیت‌های زنان و محرومیت آنان از مشارکت در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صادر و اعمال شده‌اند.

نوت: این فرمان‌ها در جریان یکسال بر اساس نشر فرمان‌های رسمی رهبر و یا کابینه طالبان از سوی سخنگویان و شبکه‌های خبری تحت کنترل این گروه و یا در مواردی به گزارش‌های مستند رسانه‌های داخلی نگاشته شده‌است.

۱. منع آموزش دختران

وزارت معارف گروه طالبان به تاریخ ۲۶ سنبله ۱۴۰۰، پس از ۳۳ روز تعطیلی مکاتب‌ها فرمان داد: «به اطلاع تمام مکاتب ابتدایی، لیسه و مدارس رسمی طبقه ذکور رسانیده می‌شود، تا روند آموزشی خویش را سر از تاریخ ۲۷ سنبله آغاز کنند. بنابراین تمامی استادان و شاگردان طبقه ذکور باید به مکاتب خویش حاضر شوند.»

بر اساس این فرمان، مکاتب ابتدایی دخترانه نیز بازگشایی شد، اما دانش‌آموزان دختر در دوره‌های متوسطه و لیسه (از صنف ششم تا دوازدهم) از حق آموزش محروم شدند. پس از حدود ۹ ماه از ممنوعیت آموزش

گروه طالبان ۲۲ جوزای ۱۴۰۱ در ولسوالی دشت قلعه ولایت تخار به رستورانها و شیریخ فروشیها دستور دادند که «به زنان غذا و شیریخ ندهید، شرعاً حرام است.»

۱۲. فرمان ویژه رهبر طالبان در مورد حقوق زنان

طالبان ۱۲ قوس ۱۴۰۰ فرمان ویژه‌ای منسوب به ملا هیت‌الله آخندزاده، رهبر این گروه در مورد حقوق زنان را در شش ماده و چهار جزء منتشر شد.

رهبر طالبان در فرمان ویژه‌اش حقوق بشر، آزادی‌های مدنی و خواست‌های اساسی زنان را نادیده گرفته در مورد شش موضوع مرتبط به ازدواج: نکاح، مهر، بد دادن، عدت، میراث و چندمسرری منحصیث حقوق شرعی و اسلامی زنان تأکید داشت.

رهبر طالبان در نخستین ماده این فرمان گفته‌است: «رضایت دختران بالغ (سن بلوغ طبق قوانین اسلامی برای دختران ۹ سالگی است) در هنگام نکاح ضروری است، کسی حق عقد نکاح یک زن بالغ با جبر و اکراه را ندارد.»

رهبر طالبان «بد دادن» را ممنوع کرده گفت «زن مال نیست، انسان آزاد و اصیل است، به بد داده نشود.»

رهبر طالبان بر حفظ مدت شرعی برای نکاح مجدد زنان تأکید کرده گفت: «هرگاه این عدت کامل شود، مردان خانواده شوهر فوت‌شده یک زن حق ندارند بدون رضایت‌اش او را به نکاح بگیرند.»

رهبر طالبان در مورد مهر گفت: «گرفتن مهر از شوهر جدید، حق شرعی زن بیوه است.»

در مورد حق میراث، رهبر طالبان گفت که زن «به طور فرضیت و عصبیت» حق دارد از مال شوهر، فرزند و پدرش سهم ببرد.

رهبر طالبان در مورد چندمسرری گفت: «کسی که چند زن دارد، مکلف است حقوق همه زنان را مطابق حکم شرعی بدهد و در بین‌شان عدل قائم کند.»

گفت: به مسئولان صحت و ولسوالی نازی ولایت ننگرهار دستور داده شده که زنان بیمار بدون محرم و زنان بدون حجاب شرعی را اجازه داخل شدن به شفاخانه ندهند.

۸. منع دسترسی زنان به عدالت

محکمه استیناف گروه طالبان در ولایت هرات ۲۵ جوزای ۱۴۰۱ اعلام کرد که «زنان حق ندارند علیه شوهران‌شان در دادگاه شکایت کنند، چون محاکم طالبان به شکایت‌های زنان در مورد خشونت‌های خانوادگی رسیدگی نمی‌کند.»

۹. منع انتقاد و اعتراض علیه طالبان و تعیین مجازات

پس از روی کار آمدن گروه طالبان زنان تنها نیروی مدنی معترض و منتقد طالبان بودند که به گزارش عفو بین‌الملل و سازمان ملل متحد، طالبان با زنان معترض از طریق اعمال خشونت‌های حاد همچون اختطاف، بازداشت خودسرانه، شکنجه، اعتراف اجباری، تهدید خانواده و قتل برخورد کردند. در حالی که مردم و جامعه جهانی از خفقان آزادی بیان در افغانستان نگران بودند، گروه طالبان به تاریخ ۳۰ سرطان در فرمان جدید منسوب به ملا هیت‌الله آخندزاده، رهبر این گروه گفت: «برای همه افراد و رسانه‌ها انتقاد از طالبان شرعاً حرام و ممنوع است و نقد و انتقاد از این گروه مجازات در پی دارد.»

۱۰. منع زنان از ورود به مسجد

برای نخستین بار در تاریخ دین اسلام، ۲۷ جوزای ۱۴۰۱ طالبان در شهر هرات فرمان دادند که «نماز خواندن زنان در مسجد حرام است.» جنگجویان طالبان در چندین مسجد از اشتراک زنان به نماز جمعه جلوگیری و اعلام کردند که «زنان حق خواندن نماز در جماعت را ندارند.»

۱۱. منع زنان از صرف غذا در رستوران

مأموران امر به معروف و نهی از منکر

گفت: وزارت امر به معروف و نهی از منکر «مهمترین» وزارتخانه طالبان است و حتی «در جایگاهی بالاتر از وزارت‌های» داخله و دفاع «این گروه قرار دارد. کتاب «امارت اسلامی و نظام آن» نوشته عبدالحکیم حقانی، قاضی‌القضات طالبان در ۳۱۲ صفحه به زبان عربی منتشر شد و حکم مانفیسیت این گروه را دارد که در آن زنان از حقوق بشری، آزادی‌های مدنی و مشارکت سیاسی محروم شده‌اند.

ملا هیت‌الله آخندزاده، رهبر طالبان ۵ اسد ۱۴۰۱ در قندهار در مورد قوانین فرمان داد که «قوانین نوشته شده از سوی بشر قابل تطبیق نیست. مثل دوره جمهوریت ایجاد قوانین به خواست مردم امکان ندارد. فقط و فقط حکم الله قابل تطبیق است و حل تمام مشکلات بر اساس شریعت است و تمام تصامیم مطابق به شریعت گرفته می‌شود.

محدودیت بر سفر و گشت‌وگذار زنان وزارت امر به معروف و نهی از منکر گروه طالبان ۵ جدی ۱۴۰۰ اعلام کرد که رانندگان وسایط نقلیه حق ندارند زنان بدون حجاب شرعی (برقع و حجاب عربی با نقاب سیاه) را سوار کنند.

در این فرمان تأکید شده بود که زنان بدون یک مرد محرم حق ندارند به فاصله بیش از ۲۷ کیلومتر سفر کنند.

ذبیح‌الله مجاهد، ۸ حوت ۱۴۰۰ در یک نشست خبری در کابل اعلام کرد: «دختران بدون محرم نمی‌توانند به بورسیه تحصیلی بروند، حضور محرم در سفرهای خارج از کشور برای زنان 'حکم شرعی' است.»

۶. ممانعت از خرید و فروش زنان در بازار

مأموران امر به معروف و نهی از منکر گروه طالبان ۲۴ جوزای ۱۴۰۱ در شهر هرات، به فروشگاه‌ها و حتی مالکان فروشگاه‌های لوازم زنانه هشدار دادند که پس از این زنان بدون محرم را به دکان‌های‌شان اجازه ندهند و به آنان چیزی نفروشند.

۷. محدودسازی دسترسی زنان به خدمات صحتی

ریاست امر به معروف و نهی از منکر گروه طالبان، ۱ جدی ۱۴۰۰ ورود زنان بدون محرم به مراکز صحتی در ولایت غزنی را ممنوع کرد. سپس در ولسوالی مقر این ولایت همراهی زن بیمار توسط زن دیگر خانواده در شفاخانه‌ها را «غیراخلاقی و غیرشرعی» اعلام کرده به دکترها دستور دادند تا از معاینه و تدوی زنان بیمار بدون محرم خودداری کنند.

وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان ۲۸ ثور ۱۴۰۱ با نشر اعلامیه‌ای

زن، زندگی، آزادی

از کردستان تا تهران تا افغانستان، زنان علیه کل حاکمیت و قوانین قرون وسطایی



جنبش‌های اعتراضی زنان، هسته مقاومت علیه طالبان گزارش نرگس سادات

بازتاب تظاهرات مدنی و خبرهای سرکوب و شکنجه زنان معترض از سوی طالبان و دروغ‌گویی طالبان در دست داشتن به ربودن و بازداشت زنان معترض، توجه نهادهای حقوق بشری و رسانه‌های بین‌المللی را به‌خود جلب کرد و این باعث شد که کشورها در "رسمیت شناسی طالبان" تأمل کرده و حقوق زنان و دختران افغانستان را پیش‌شرط به رسمیت‌شناسی طالبان تعیین کنند.

حداقل ده جنبش زنانه؛ متشکل از زنان معترض افغانستان به عنوان هسته مقاومت علیه طالبان و افراطیت، در اعتراض به سیاست‌های تک‌جنسیتی و افراطگرایی طالبان ده‌ها بار به خیابان‌های کابل ریختند و صدای اعتراض و مخالفت‌شان را با طالبان بلند کردند. نخستین اعتراضات زنان در ماه سپتامبر، پانزده روز بعد از آمدن طالبان در کابل آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. زنان معترض در طول مبارزات یک‌ساله‌شان از سوی طالبان تهدید و سرکوب شدند، شلاق خوردند، شکنجه، زندانی و ترور شدند؛ اما برگ برنده این میدان مبارزات مدنی، زنان بودند و نگذاشتند طالبان از سوی کشورهای بیرونی به رسمیت شناخته شوند.

جنبش‌های زنانه مکتب انتقادی کابل، جنبش زنان برای عدالت و آزادی، جنبش زنان عدالت‌خواه، جنبش خودجوش زنان معترض افغانستان، جنبش خودجوش زنان مبارز، سازمان روزنه امید افغانستان، جنبش تغییر، جنبش اتحاد و همبستگی زنان، جنبش زنان مقتدر افغانستان و جنبش زنان عدالت‌جو هر کدام با برگزاری ده‌ها گردهمایی اعتراضی و تظاهرات خیابانی در کابل و ولایات، به سیاست تک‌جنسیتی و افراطگرایی طالبان اعتراض کردند و از جهانیان خواستند که طالبان را به رسمیت نشناسند.

چگونگی شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی زنان

طالبان پس از تصرف افغانستان در اولین اقدام، وزارت امور زنان را حذف و تابلوی وزارت امر به معروف و نهی از منکر را بر روی دروازه این وزارت نصب کردند و سپس کابینه‌ای متشکل از چندین مولوی بدون تخصص و دانش مسلکی با اکثریت قوم پشتون را اعلام کردند که در آن زنان و دیگر اقلیت‌های قومی جایگاهی نداشتند.

پس از چند روز خفقان و هجوم مردم بر میدان هوایی کابل برای فرار از چنگ طالبان، این گروه از تمام کارمندان ملکی و نظامی

بدنه دولت، محرومیت از حق آموزش، کار و آزادی توسط یک گروه جاهل و بی‌سواد به میدان مبارزات به خیابان رفته‌است. «ماری حسن» یکی دیگر از دختران معترض با وجود مخالفت‌های خانواده، سه‌ماه پس از خانه‌نشینی و بی‌کاری به صف اعتراضات زنان پیوست. او می‌گوید: من اعتراض و مخالفت را با سیاست‌های طالبان در شبکه‌های مجازی منتشر می‌کردم اما با خود گفتم: «وقتی تنها تریبون ما زنان و دختران اکنون خیابان است! چرا در خانه بمانم؟»

ماری حسن در اعتراض به فرمان محدودیت سفر و گشت و گذار زنان در سطح شهر با محرم‌شرعی یا همراه مرد، با شعار "من زن هستم، من به خودم محرم هستم" در صف اعتراضات زنان در مقابل دروازه وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان رفت. **برخورد طالبان با زنان معترض؛ از خشونت و شلاق تا زندانی و ترور دختران**

اعتراضات زنان از کابل شروع و به ولایات گسترش یافت. گروهی از دختران معترض در مزارشریف نیز در برابر سیاست‌های طالبان دست به اعتراض زدند اما در دومین اعتراض‌شان از سوی نیروهای طالبان سرکوب و زندانی شدند. در سپتامبر ۲۰۲۱ حدود هفتاد معترض به شمول چهل زن و دختر، پس از یک تظاهرات خیابانی در مزارشریف بازداشت و زندانی شدند و پس از مدتی جسد‌های شماری از پسران جوان بازداشت شده از حومه شهر مزارشریف پیدا شدند، بر دختران زندانی تجاوز شد و شماری از آنان به شرط جاسوسی برای طالبان آزاد شدند و شماری از دختران

خواست که بر اساس عفو عمومی، کارمندان بدون ترس به وظایف‌شان برگردند و از مردم خواستند که به زندگی عادی خود ادامه دهند. بر اساس یک دستورالعمل از سوی طالبان، زنان کارمند خدمات ملکی و نظامی تا شش‌ماه اجازه حضور در دفتر کاری‌شان را نداشتند و پس از گذشت شش‌ماه در شماری از ادارات دولتی، زنان از وظایف‌شان برکنار و افراد طالبان به جای آنان به کار گماشته شدند.

نخستین اعتراض مدنی و خیابانی زنان در اعتراض به تشکیل کابینه بدون زنان و حق کار در ماه سپتامبر ۲۰۲۱ شکل گرفت. اعتراضات زنان مؤفّقانه پایان یافت و افراد طالبان تنها مسیر راهپیمایی آن‌ها را مسدود کردند اما پس از بازتاب گسترده این اعتراضات در رسانه‌های ملی و بین‌المللی، طالبان خشمگین شدند و اعتراضات مدنی زنان را سرکوب نمودند.

زنان معترض از آغاز تصرف طالبان بر کشور در برابر هر فرمان طالبان برای محدودیت زنان اعتراض کردند. «ژولیا پارسی» یکی از زنان معترض که با آمدن طالبان وظیفه‌اش را از دست داده و دو دخترش نیز از حق آموزش محروم شده، به نیم‌رخ گفت: برای حق کار و آموزش دخترانش و آزادی دیگر زنان و دختران افغانستان به صف اعتراضات زنان پیوست و در تشکیل جنبش‌های اعتراضی زنانه علیه سیاست‌های طالبان سهم گرفت. او می‌گوید: از ترس برگشتن زنان به بیست‌سال قبل و محرومیت از تمام حقوق اساسی‌شان دست به اعتراض زده‌است.

«شمایل توانا ناصری» یکی دیگر از زنان معترض و مسئول جنبش اعتراضی زنان برای عدالت و آزادی، به دلیل حذف زنان از

معارض پس از آزادی از سوی خانواده‌ها و اشخاص نامعلوم ترور شدند.

پس از این رویداد، اعتراضات زنان همچنان دوام یافت تا این‌که در یک اعتراض مدنی در پیوند به پوشش اجباری زنان از سوی طالبان، گروهی از دختران یک برقع سفید را در جریان اعتراض آتش زدند و آن را یک فرهنگ وارداتی و قبیله‌ای خواندند. آتش زدن برقع بهانه‌ای دست طالبان داد و برجسب توهین به مقدسات به زنان زده شد که در پی آن در جنوری ۲۰۲۲ میلادی، هفت تن از دختران معترض (تمنا زریاب پریانی با سه خواهرش، پروانه ابراهیم خیل، مرسل عیار و زهرا محمدی) بازداشت و زندانی شدند. ابتدا گروه طالبان هر نوع دست داشتن در بازداشت آن‌ها را رد کردند اما سپس ذبیح‌الله مجاهد سخن‌گوی گروه طالبان بر خلاف هرگونه دست داشتن در بازداشت آنان از رهایی پروانه ابراهیم خیل و تمنا پریانی خبر داد. این دختران به شرط عدم اشتراک در برنامه‌های اعتراضی و سکوت در برابر آنچه که در زندان‌های طالبان کشیدند، آزاد شدند. پس از این رویداد، دختران معترض همچنان گاهی در خیابان و گاهی در محیط‌های سر بسته، اعتراضاتشان را ادامه دادند تا این‌که تهدید دختران از سوی استخبارات طالبان شدت گرفت و شماری از این دختران و زنان با خانواده‌هایشان به یک خانه امن منتقل شدند.

در فیروزی ۲۰۲۲ افراد طالبان به یک خانه امن در کابل یورش بردند و ۲۹ زن معترض به شمول کودکان و مردان همراهشان را بازداشت کردند. طبق معمول طالبان دستگیری این زنان را همچنان رد کردند اما پس از مدتی وزارت داخله طالبان، یک ویدیوی اعتراف اجباری از این زنان را منتشر کرد و سپس این زنان و خانواده‌هایشان پس از دادن ضمانت و تعهد مبنی بر عدم اشتراک در گردهمایی‌های اعتراضی آزاد شدند.

نیروهای استخبارات طالبان در هنگام اعتراضات زنان در خیابان بر آن‌ها تعرض کرده و آنان را به مرگ تهدید کردند و در مواردی پس از ختم گردهمایی اعتراضی، برای پیدا کردن خانه‌هایشان آنان را تعقیب نمودند. «مرجان امیری» یکی از زنان معترض، نخستین کسی بود که در جواب تعرض و رفتار خشونت‌بار طالبان با زنان معترض بر صورت یک طالب سیلی زده‌است. مرجان امیری در آن زمان به نیمرخ گفته بود که نیروهای طالبان برای خفه کردن صدای زنان، آن‌ها را با شلاق و قن‌داق تفنگ می‌زدند و برای جلوگیری از صحنه‌های خشونت‌بارشان، مانع فیلم‌برداری زنان

آرامش دختران و زنان را به هم می‌زدند. ماری می‌گوید: پس از رهایی از محاصره طالبان، در چهارراه انصاری کابل متوجه دو جنگ‌جوی طالب شدم که ما را تعقیب می‌کردند تا خانه‌مان را پیدا کنند اما من و یک دوست دیگرم، مسیر خانه را عوض کرده با استفاده از فرصت در یک مارکیت تجارتي چادر و لباس‌هایمان را عوض نمودیم و به راه افتادیم تا این‌که از تعقیب طالبان نجات یافتند.

شمایل ناصری نیز بارها در فضای مجازی از سوی افراد طالبان تهدید شده‌است. یکی از افراد طالبان با نشر تصاویر شمایل در توئیتر از طالبان خواسته بود که معترضین نظام‌شان را ترور کنند تا دیگر کسی جرأت و جسارت اعتراض نداشته باشد و یکروز پس از این رویداد افزود: طالبان به دروازه خانه شمایل رفتند اما شمایل قبل از آن‌ها از آن مکان کوچیده بود. ژولیا پارسی نیز از طریق تماس‌های تلفنی افراد طالبان مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌است. او می‌گوید: پس از گردهمایی‌های اعتراضی، وقتی به خانه می‌رفتم، تماس‌های ناشناسی از اشخاص ناشناس دریافت می‌کردم که می‌گفتند: اعتراض نکند و گرنه کشته می‌شود.

نقش زنان معترض در معرفی سیاست‌های افراط‌گرایانه طالبان به جهانیان

بازتاب تظاهرات مدنی و خبرهای سرکوب و شکنجه زنان معترض از سوی طالبان و دروغ‌گویی طالبان در دست داشتن به ربودن و بازداشت زنان معترض، توجه نهادهای حقوق بشری و رسانه‌های بین‌المللی را به‌خود جلب کرد و این باعث شد که کشورها در "رسمیت شناسی طالبان" تأمل کرده و حقوق زنان و دختران افغانستان را پیش‌شرط به رسمیت‌شناسی طالبان تعیین کنند. حذف زنان، قتل‌های هدفمند و زنجیره‌ای کارکنان سابق دولت، بسته کردن مکاتب دخترانه، گسترش فقر، خشونت، تهدید، بازداشت، شکنجه و ترور زنان معترض، سیاست افراط‌گرایانه طالبان را به جهانیان نشان داد و به رسمیت شناخته شدن طالبان از سوی جهانیان یکی از دستاوردهای زنان معترض به شمار می‌رود.

می‌شدند و هنگام گرفتن موبایل‌های دختران معترض با آن‌ها درگیر شده و تعرض می‌کردند. مرجان امیری بعداً از سوی طالبان بازداشت و در زندان طالبان شکنجه شد.

اخیراً در یک گردهمایی اعتراضی در پیوند به حجاب اجباری زنان با شماری دیگری از دختران معترض در شهر نو کابل که از سوی طالبان برای دو ساعت محاصره شده بودند؛ آنان را وادار به پوشانیدن صورت‌شان می‌کردند و به سوی آن‌ها به دیده تحقیر می‌دیدند. ژولیا پارسی می‌گوید: «در آن موقع درک کردم که طالبان نمی‌توانند زنان را در افغانستان تحمل کنند. آن‌ها به ما می‌گفتند: صورت کثیف‌تان را بپوشانید و از ما دورتر ایستاده شوید تا ما شما را نبینیم؛ چون شما مسلمان نیستید. شما زنان افغانستان را بدنام کرده‌اید، پاکستان اسلامی‌ترین کشور دنیاست و ما نیز به زودی افغانستان را اسلامی می‌سازیم.» ماری حسن که در جمع زنان محاصره شده و در نزدیکی وزارت امر به معروف طالبان در شهر نو کابل بود می‌گوید: "برای حدود سه ساعت در محاصره، طالبان از ما زهر چشم می‌گرفتند و ما را با القاب زنان فاحشه و پروژه‌ای و جاسوس غربی‌ها صدا می‌کردند؛ به مرگ تهدید می‌کردند و سپس می‌گفتند: شما زنان خوب نیستید، زیرا زنان خوب در خانه می‌نشینند. شما یک لکه ننگ بر پیشانی حکومت ما هستید. آن‌ها با اشاره به زندان و شکنجه شدن برای ما می‌گفتند که نترسید ما شما را اذیت نمی‌کنیم شما یک مدتی مهمان ما هستید، ما شما را به یک مکان رویایی می‌پریم و غذاهای متنوع می‌دهیم. تا لذت اسلام و مسلمان شدن را ببینید." ماری می‌گوید پس از حدود سه ساعت یک گروه دیگر از طالبان سر رسیدند، یک‌ایک دختران معترض را برانداز کرده و پس از گرفتن توبه و تعهد زبانی و گرفتن فیلم و عکس از جریان تعهدشان، آنان را در گروه‌های دو نفری از محل اعتراض دور کردند.

تهدید و سرکوب زنان معترض از سوی طالبان در خیابان‌ها بسنده نبوده! آنان در فضای مجازی و با تماس‌های تلفنی نیز

نبرد انسانیّت با بربریت

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهائی زن را می توانید از طریق آدرس

های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

تلویزیون رهائی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت

20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید پهنده

تلویزیون رهائی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd

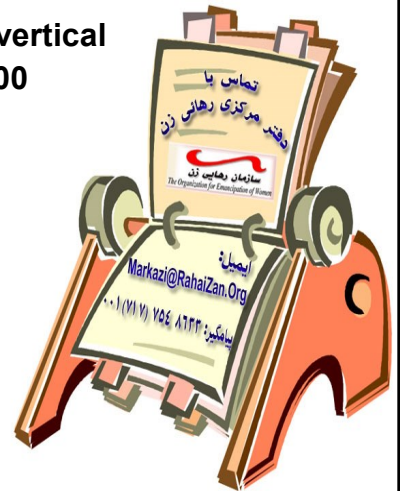
HoT BIRD

Frequency 11541 vertical

Symbol Rate: 22000

Pol V

FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهائی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: minohemati@gmail.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: shararehzaei.p@gmail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com